

بررسی سیستم آموزشی یزد در دوره قاجاریه

احمد بابایی زارچ

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

a.babayi61@gmail.com

دکتر سهیلا ترابی فارسانی (نویسندهٔ مسؤل)

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

stfarsani1963@gmail.com

دکتر محمد حسن میرحسینی

استادیار مدعو گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران و استادیار گروه تاریخ، دانشگاه

یزد، یزد، ایران mirhosaini@yahoo.com

مجله علمی پژوهشی تاریخ-شماره ۵۸- پاییز ۹۹ صفحه ۲۵۲-۲۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۵

چکیده

هدف از این نوشتار، بررسی و تحلیل تحولات و زمینه‌های شکل‌گیری نظام آموزشی و مدارس نوین در دوره قاجاریه است. پژوهش حاضر با برگزیدن دوره تاریخی «قاجاریه» به عنوان منشاء و سرآغاز تحولات نظام آموزشی نوین در یزد، با رویکرد توصیفی و تحلیلی سعی داشته تا «بسترهای شکل‌گیری، محتوا و روند تحولات آموزش در یزد» را مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، آموزش به سبک جدید از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه قاجار با پیشگامی میسیونرهای مذهبی در یزد آغاز گردید به دنبال آن، اقلیت‌های مذهبی مانند زردتشتیان و یهودیان و تجار و سرشناسان شهر، مدارس به سبک نوین تأسیس نموده و رشد و پویایی نظام آموزشی را در این شهر پایه‌ریزی نمودند اما این روند با ممانعت‌ها و مانع‌تراشیهایی بسیاری روبه‌رو شد. هر چند شیوه‌های سنتی آموزش یعنی مدارس علوم دینی و مکتب‌خانه‌ها در یزد تا دهه‌ها بعد از مشروطیت تداوم داشت. در روند تحولات نظام آموزشی و شکل‌گیری آموزش نوین در شهر یزد، عواملی همچون تحولات جهانی و تحولات داخلی در کشور، ویژگی جامعه چند فرهنگی یزد ناشی از وجود اقلیت‌های مذهبی، گرایش قاجاریه به سمت آموزش و سبک‌های نوین آموزشی (از اواسط قاجار)، تأسیس مدارس جدید همچون دارالفنون و...، روزنامه‌های محلی، بازرگانان زرتشتی، انقلاب مشروطه و تأسیس مدارس توسط اقلیت‌ها و میسیونرهای مذهبی و... تاثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: آموزش سنتی، آموزش نوین، قاجاریه، یزد.

مقوله آموزش، کسب علم و دانش، بهره مندی از میراث دانایی گذشتگان و شیوه‌های انتقال آن به نسل‌های بعد یکی از جذابیت‌های جوامع انسانی بوده است از خصوصیات کویرنشینان، سخت‌کوشی، تلاش و پشتکار بسیار است، و این خصوصیت مردم کویرنشین خطه ی یزد، زمینه و بستر مناسب را در راستای توسعه آموزش و کسب علم و دانش فراهم نموده است. مدرسه‌های ساخته شده در یزد در چهار دسته مدارس احدثی مسلمانان، مدارس احدثی زرتشتیان، مدارس احدثی مسیحیان و مدارس احدثی یهودیان بوده است. آموزش برای مسلمانان شهر تا پیش از مدارس نوین به صورت مدارس علوم دینی و مکتب‌خانه‌ها و آموزش خصوصی در خانواده‌های متمول و صاحب قدرت بوده است. مدارس سنتی علوم دینی یا حوزه‌ها مکان‌های آموزشی بودند که فقه و معارف و علوم فلسفی توسط علمای شناخته شده به طلاب آموزش داده می‌شد. که این مدارس در محیط‌های اندرونی بافت شهری یزد متمرکز بود (آسایش، ۱۳۹۷:ص ۱۹۳) شرایط آموزشی و محتوای درسی در مکتب‌خانه‌های یزد همانند بیشتر مناطق ایران بود و از یک الگوی مشترک شناخته شده پیروی می‌کرد اما طبیعی است که تحت تاثیر ویژگی‌های محیطی و فرهنگی خاص شهر یزد، تفاوت‌هایی نیز داشته است. مثلاً در مورد سن ورود به مکتب‌خانه و اختلاط دختران و پسران یا شرایط جغرافیایی و اقلیمی یزد تفاوت‌هایی داشته است (دانش، ۱۳۹۰:ص ۱۵۶) آوردن معلم سرخانه در یزد نوعی از آموزش مقدماتی برای ورود فرزندان اعیان و اشراف به مراکز آموزش عمومی بوده که به جای رفتن به مکتب‌خانه معلم خصوصی به آنها آموزش می‌داده است (گفتگو با علیرضا آیت‌اللهی، اسفند ۱۳۹۶) اقلیت زرتشتی آموزش سنتی معارف دینی خود رو به شکل محدودتر آن هم در خانواده‌های دساتیر و موبدان پیگیری می‌کردند هر چند بعد ها این اقلیت زمینه ساز رشد نظام آموزش نوین و همچنین روند ساخت بنگاه‌های آموزشی در یزد شدند. اقلیت یهود آموزش سنتی در کنیسه‌ها دنبال می‌کردند آن هم آموزش دینی خودشان بود ولی بعد ها مدرسه آلیانس و مدرسه دخترانه اتحاد در یزد تأسیس نمودند. اما در یزد اقلیت مسیحی یافت نشده بنابراین ساخت مدرسه مرسلین و مدرسه دخترانه ابتهاجیه به دلیل فعالیتها و سیاستهای میسیونرهای مسیحی و کلیسا و سیاست کشورهای استعماری مربوط بوده است. شهر یزد به دلیل غالب بودن دو وجهی

بازرگانی - اقتصادی و نیز استقرار اقلیت‌های مذهبی مورد توجه این دسته قرار گرفت. آنها از عقب ماندگی آموزش و درمان در شهرهای ایران از جمله یزد استفاده کردند و با احداث مدارس و مراکز درمانی زمینه‌ی تبلیغی خود را فراهم آوردند. ارتباطات تجاری و فرهنگی این شهر با دیگر کشورهای اروپایی و آسیایی، که زمینه ترویج علوم جدید و سبک نوین آموزشی در یزد را فراهم ساختند.

علاقه اندیشمندان و روشنفکران، همچنین تلاش اقلیت‌های مذهبی به ویژه زرتشتیان یزد در دوره قاجاریه و تاثیرپذیری از تحولات فرهنگ غرب، زمینه تأسیس مدارس جدید و آموزش نوین در یزد را فراهم نمود، چنانکه سید محمدرضا معروف به کمپانی مدرسه تشکر را ایجاد نمود و سید هاشم فقیهی از علماء، مکتبخانه قدیم خود را به سبک مدارس جدید تغییر داد (خاضع، ۱۳۶۴: ص ۸۵) (علاوه بر آن، تأسیس مدارس نوین توسط زرتشتیان در یزد، تاثیر بسیاری بر فرهنگ شهر، و اشاعه علوم و فنون جدید و تأسیس مدارس نوین داشته است. چنانچه طاهری (۱۳۱۷: ص ۳۴) معتقد است که از مجموع حدود ۳۰ مدرسه ۶۷ی که به سبک جدید از ابتدا تا اواخر قاجاریه در یزد تأسیس شده است، بیش از نیمی از آنها توسط زرتشتیان خیر و نیکوکار ساخته شده است همچنین، وقوع انقلاب مشروطه در ایران، تاثیر مستقیمی بر تحول نظام آموزشی در ایران و به دنبال آن در یزد داشته است. از یک سو، روشنفکران مشروطه خواه اغلب از تحصیل کرده ها در اروپا، دارالفنون و سایر مدارس نوین در کشور بودند و از دیگر سو، با وقوع انقلاب مشروطه، با تأسیس مجلس، گام‌های مهمی در راستای ترویج علم و دانش در کل کشور و از جمله یزد برداشته شد و اقداماتی نظیر «تأسیس مدارس نوین، دولتی و رایگان شدن آموزش؛ ارتقای آگاهی عمومی و...» در این حوزه قابل ذکر است.

همچنین، قابل ذکر است که نظام آموزشی نوین از آغاز تا انحلال دوره قاجاریه، تحولات و مراحل مختلفی را از سرگذرانده است، جدای از محدودیتها و ممانعت‌ها و اشکال تراشیها، از حائز اهمیت ترین اقدامات در این دوره باید رونق و توسعه مدرسه سازی را یادآور شد. با توجه به اینکه منشاء تحولات نظام آموزشی در ایران و در شهر یزد از دوره قاجاریه بوده است، و به توجه به اشاراتی که مطرح گشت، در این نوشتار کوتاه به بررسی تحولات و زمینه‌های شکل‌گیری نظام آموزش نوین در یزد در دوره قاجاریه پرداخته می‌شود.

در این نوشتار، با اعمال روش توصیفی-تحلیلی اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، و تحولات و زمینه‌های شکل‌گیری نظام آموزشی و مدارس نوین در دوره قاجاریه بررسی و تحلیل شده‌اند. و این مهم از طریق «بررسی اسناد تاریخی یزد، کتاب‌های موجود، مصاحبه با معمرین، دانش‌آموختگان و فرهنگیان، بررسی روزنامه‌ها و نشریات وقت و...» تحقق یافته است. اگرچه اطلاعات مکتوب پراکنده‌ای در آثار منتشر شده در رابطه با آموزش نوین در شهر یزد یافت می‌شود، اما بعنوان یک مجموعه‌ی منسجم تبیینی و تحلیلی مسبوق به سابقه نیست، در نتیجه می‌تواند در تاریخچه موضوع مورد مهمی لحاظ شود.

نظام آموزشی یزد پیش از قاجار

با مطالعه متون تاریخی به این نتیجه می‌رسیم که در دوره‌های پیش از قاجار رگه‌هایی از آموزش البته به سبک سنتی در شهر یزد وجود داشته است، که گرچه چندان چشمگیر نبوده‌اند، اما به عنوان اولین اقدامات در خصوص فراگیری علم و دانش در این شهر قابل اهمیت هستند. در متون تاریخی نامی از مدارس قبل از حاکمیت آل بویه دیده نمی‌شود، و باید گفت که اولین مدارس سنتی در یزد در دوره آل بویه (کاکویان) تأسیس شده است (نصر، ۱۳۵۹: ص ۲۶) بعد از ورود اسلام به ایران تحول بزرگی در جامعه ایجاد شد، نظام طبقاتی برچیده شد و با توجه به توصیه‌های مکرر قرآن کریم و احادیث و روایات، کسب علم و دانش در جامعه ضروری گردید و همگانی شد بنابراین با توجه به اکثریت جامعه مسلمان یزد آموزش معارف و احکام و قرآن کریم در مساجد آغاز گردید به مرور زمان ساختمانهایی در کنار مساجد مثل مسجد ملا اسماعیل برای امر آموزش ساخته شد. نظام آموزش سنتی بر پایه دین و معنویت قرار داشت. طلاب علوم دینی دوره حداقل ۱۲ ساله رو باید در سه مرحله مقدمات - سطح و خارج طی میکردند البته مدارس علوم دینی در یزد موقوفات مخصوص به خودشان داشته‌اند که کلیه هزینه‌های آنها رو پوشش می‌داده است (ضمیری، ۱۳۷۴: ص ۱۲۵). قدیمی‌ترین مدرسه نامبردار در تاریخ یزد پس از اسلام به قرن پنجم هجری باز می‌گردد. که به نام مدرسه شیخ الاسلام احمد مهریزاد نام بری شده است. (آیتی، ۱۳۱۷، ج ۱: ص ۸۷) پس از این

روزگار در غالب کتاب های تاریخ محلی یزد نام و مشخصات مدارس مهم و دایر شهر یزد ذکر شده است. بسیاری از این مدارس در طول زمان از بین رفته و برخی از آنها نیز همچنان تحت عنوان مقابر بانی (مانند بقعه‌ی سید شمس الدین که مدرسه‌ای به همین نام بوده) و یا به عنوان اثری تاریخی (مانند زندان اسکندر یا مدرسه‌ی ضیائیه) و به دور از کارکرد آموزشی باقی مانده است. خانقاه‌های یزد یکی دیگر از مراکز آموزش سنتی بوده است که در آنجا صوفیان به ارشاد و تربیت مریدان اقدام می‌کردند. و رهبری خانقاه بر عهده مرشد اعظم بوده است. خانقاه خواجه شمس‌الدین تازی‌گو(۱۲۶۰ق/۱۲۶۲ م) از قدیمی‌ترین آنها است.

اوج رونق و رواج علم و دانش در یزد در دوران ایلخانان و آل مظفر بود. در این دوره بیش از ۲۵ مدرسه در یزد ساخته شده است و وضعیت جامعه حکایت از رونق و آرامش و امنیت شهر دارد(تشکری بافقی، ۱۳۷۸:ص۱۱۲) در عصر تیموری نیز با وجود ویرانگری‌های تیمور، شهر یزد از آرامش نسبی برخوردار بود و این شهر ویران نشده است، و حکام محلی در جهت رونق و آبادی شهر تلاش بسیار نموده اند، و ۷ مدرسه در این دوران در یزد تأسیس شده است (افشار، ۱۳۷۴:ص۱۰۹) پس از آن ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو بر یزد حاکم شدند و این دوره، با رکود فعالیت‌های علمی مواجه بود و تنها یک مدرسه در شهر یزد تأسیس شده است، که حکایت از ناامنی و رکود و مشکلات یزد در این دوره دارد. در عصر صفویه امنیت و آرامش به شهر یزد بازگشت و ۴ مدرسه در این دوره احداث شد که با وجود گذر زمان این مدارس هنوز سالم مانده و مورد استفاده طالبان علوم دینی قرار دارد (افشار، ۱۳۷۴:ص۳۶۷) در دوره افشاریه و زندیه نیز تنها یک مدرسه در شهر یزد تأسیس شده است که باز می‌توان رای به رکود علم و دانش در این دوران‌ها داد. اما رونق و توسعه علم و دانش در شهر یزد همچون سایر نقاط ایران از دوره قاجاریه آغاز شده است که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. همچنین شایان ذکر است که پیش از شیوع مدارس و آموزش به سبک نوین در شهر یزد (همنوا با سایر نقاط ایران)، عموم آموزش‌های سنتی به شیوه مکتب‌خانه‌ای بوده است. در خصوص دوره قاجاریه بهتر است به این موضوع نیز اشاره کرد که، از ابتدای قاجار تا سال ۱۲۰۴ ش/۱۸۲۵م چهار مدرسه سنتی در یزد بنا شده که سه مدرسه آن بازسازی شده و امروزه نیز مورد استفاده طلاب دینی است. اما از سال ۱۲۰۴ش/۱۸۲۵م تا ۱۲۷۲

ش/۱۸۹۳ م مدرسه سازی در یزد کند و کم رونق گردید. اما پس از این دوران آموزش به سبک نوین در شهر یزد آغاز و توسعه یافت.

آموزش مکتب خانه ای در یزد

مکتب خانه مکانی بوده که در آنجا کودکان به یادگیری درس و سواد می نشستند. زن یا مرد به نام ملا باجی و یا ملا مکتب دار در قبال دریافت اجرت ماهانه به کودکان سواد می آموختند تحصیل در مکتب خانه محدودیت سنی نداشت بطوریکه شاگرد ۴ ساله با محصل ۱۴ ساله زانو به زانوی یکدیگر روی حصیر می نشستند (فخرایی ، ۱۳۵۳:ص۴۷) سرجان ملکم، تعلیم و تربیت عهد فتحعلی شاه را این گونه وصف کرده است: «در ایران، طفل پنج ساله، یا پیر پنجاه ساله، در مجلس از حیث گفتار و کردار و سکونت و وقار یکسان است. در هفت سالگی شروع به خواندن عربی و فارسی می کنند. (البته ادبیات فارسی) بعد از خواندن حروف تهجی، قرآن می خوانند و بعد از آن به آموختن احکام شریعت می پردازند (ملکم، ۱۳۶۲، ج ۲:ص ۸۶۴) سن ورود به مکتبخانه در یزد محدودیت خاصی نداشت. چه دختر و چه پسر از زمانی که می توانستند از عهدهی طهارت خود برآیند، اجازه داشتند به مکتبخانه بروند. در یزد نسبت به حضور همزمان دختران با پسرهای بالای سن هشت نه ساله سخت گیری می شده . (دانش، ۱۵۶، ص ۱۵۲) و دختران که نزدیک نه سالگی می رسیدند نمی توانستند نزد ملای مرد بروند (آسایش ، ۱۳۹۷ ص ۱۹۲)

در شهر یزد نیز اگر چه این شیوه آموزشی خیلی پیش تر از نهادهای آموزشی نوین هماهنگ با سایر نقاط کشور در دوره ی قاجاریه دایر بوده، اما به عنوان یک روش مقدماتی در طول دوران قاجاریه ، پهلوی و حتی تا دهه ی اول انقلاب نیز رایج بود و هنوز می توان دست کم سه نسل از افراد آموزش دیده در مکتبخانه های یزد را ملاقات کرد .

مکتبدارها اکثراً سواد چندانی نداشتند و نه تنها عده ای از آنان، مدرسه ی طلاب ندیده بودند بلکه حتی به زحمت مکتب را تمام کرده بودند. این ها اعم از ملا یا ملاباجی، میرزا یا پیرمرد معمم یا میرزا باجی، عهده دار تدریس کودکان و نوجوانان بودند. (ناطق، ۱۳۷۵ ص ۵۲) این مکتبخانه ها با روشهای یکسان آموزشی و زیر نظارت دولت فعالیت نمی کردند. در ضمن مکان

مشخصی هم برای مکتبخانه وجود نداشت معمولاً در منازل مکتبدارها، مساجد، دکه های بازار و یا سرگذر ها کلاسها دایر می شد. مکتبدارها معمولاً از سواد کافی برخوردار نبودند حتی قادر نبودند معلومات سطح پایین و محدود خود رو به روشی درست و صحیح به نو آموزان منتقل کنند. در مکتب خانه ها تنبیه بدنی نوآموزان رایج بود و مواد و مفاهیم آموزشی به دلیل اینکه به طور صحیح آموزش داده نمی شد سنگین و غیر قابل فهم بود (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ص ۱۰)

نظام آموزش مکتبی در یزد مبتنی بر اصول و روش های ذیل بوده است: الف: با سواد شدن که فلسفه نظام آموزش مکتب خانه ای بوده است. ب: آزادی و انعطاف در زمان، مدت و سن یادگیری که با نظام و اوضاع زندگی روستایی و کشاورزی مردم زمانه سازگاری داشته است. پ: اختلاف سطح شاگردان، تنوع دروس، اختلاف سنی ما بین معلم و یادگیرندگان و خلیفگی. باید اشاره نمود، که نیاز بچه ها به سرپرست و بزرگتر، وجود خلیفه که در واقع دستیار معلم بود نیز اجتناب ناپذیر بوده است. ت: مذهب و فرهنگ، یعنی دروس مکتب بر پایه مذهب شکل گرفته است. اصولاً آموزش قرآن کریم، صد کلمه از مولا علی (ع) به عربی و فارسی و خواندن و نوشتن و پند و اندرز دست مایه اصلی آموزش مکتب خانه ای بوده است. به همین روی کتاب هایی همچون متنوی نان و حلوی شیخ بهایی، موش و گربه عبید زاکانی، پندنامه عطار، گلستان سعدی و دیوان اشعارحافظ تدریس می شده است (مدرسی، ۱۳۸۲: ص ۱) اصولاً در این شیوه از آموزش، منابع درسی بر اساس توانایی و استعداد کودکانی که در مکتب تحصیل می کرده اند، تعیین نمی شده است، بلکه سلیقه و معلومات مکتب دار اساس تعیین آموزش ها بوده است، به همین روی، در نظام آموزشی سنتی یادگیری بسیار مشکل بوده و برای همگان نیز میسر نبوده است و به دلیلی رواج خشونت در مکتب خانه ها، طیفی از کودکان و نوجوانان از آموزش باز می ماندند و از آن گریزان بودند. در نتیجه میزان با سوادی در آن دوران نیز در سطح پایین قرار داشت. البته مقتضی سبک زندگی آن دوران که اکثراً کشاورزی، دامپرور، پیشه ور و... بودند، نیاز چندانی به باسوادی احساس نمی شد، و عده قلیلی از مردم جامعه در قشرهای روحانی، تجار و دولت مردان به سوادآموزی نیاز داشتند. وسایل کمک آموزشی در این مکتبخانه عبارت بودند از: رحل چوبی، زیر انداز بسیار ساده و کوچک، سفره بند یا غذایی که شاگرد با خود به مکتبخانه می آورد. وسیله ی دستی ساخته شده با

کاغذ که به آن سرخط می گفتند و به جای انگشتان دست زیر خط قرآن می گرفتند. (دانش، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰) شخص ملا یا معلم هم یک میز پیش دستی کوچکی مقابلش داشت و معمولاً چوب تادیب هم برای اشاره و تنبیه همراه داشت. (آسایش، ۱۳۹۷، ص ۱۹۲)

خدمات متقابل ملا و شاگردان اینگونه بود که وظیفه‌ی ملا تدریس و آموختن بود و شاگردان ضمن فراگیری می بایست برخی از امور شخصی ملا را نیز انجام می دادند. تمیز نگاه داشتن محوطه‌ی خانه‌ی ملا و آب و جارو کردن مکتبخانه (آسایش، ۱۳۹۷، ص ۱۹۲) آوردن آب از آب انبار و گاهی خرید مایحتاج برای ملا نیز از کارهای شاگردان بود.

تنبیه با استفاده از چوب تادیبی برای ترساندن و یا کتک زدن شاگردان بود. مالاها روز اول از پدر و مادر شاگردان خود اجازه می گرفتند که در صورت نیاز آنها را کتک بزنند. برای تشویق نیز گاه هدایایی از سوی خانواده ها تهیه می شد و توسط ملای مکتب به شاگردان داده می شد. گاه نیز برای حفظ سوره های کوچک قرآن به بچه ها جایزه می دادند. مراسم «نقل سر کردن» یکی از مراسمی بود که معمولاً توسط ملا در روزهای پنج شنبه انجام می گرفت و طی آن نقل روی سر شاگردی می ریختند که توانسته بود بخشی از قرآن را ختم کند. (دانش، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸) یکی از مکتب‌خانه های مشهور یزد، مکتب حاج میرزا علی خراسانی فعال در سال ۱۲۹۴ ش / ۱۳۳۳ ق. بوده است. این مکتب‌خانه که به عنوان «شاگرد ملایی» یعنی همه‌ی داوطلبان را نمی پذیرفته و انتخاب شاگردان به صورت گزینشی بوده است. مکتب‌خانه توسط خود حاجی میرزا علی و همسرش اداره می شده که در خانه‌ای در انتهای بازار مشیری یزد واقع در ضلع غربی مسجد ملّا اسماعیل و زمستان ها نیز در گرمخانه‌ی مسجد ملا اسماعیل دایر بوده است. شاگردان در زمستان بر روی پلاس یزدی می نشستند و تابستان ها نیز روی حصیر بافقی می نشستند. به این دلیل گاهی مکتب در مسجد ملّا اسماعیل، به خصوص در گرمخانه و بر روی فرش زیلوی آن تشکیل می شده است. همسر حاجی میرزا علی هم قاری قرآن و حافظ قرآن بوده است. محتوای درسی این مکتب‌خانه شامل تدریس و روخوانی قرآن کریم و تدریس و روخوانی دیوان خواجه حافظ بود. از شاگردان مشهور این مکتب‌خانه می توان به آیت الله میرزا جواد آیت اللهی، مرحوم سید مهدی چیتی (نقاش و مجسمه ساز معروف)، آقای هدایتی (که بعدها امام جماعت مسجد ملا اسماعیل شد)، دکتر حسین مرشد، و سرتیپ توفیق (از صاحب منصبان زمان پهلوی) بوده اند.

نظام آموزش در اوائل دوره قاجاریه در ایران و شهر یزد

مدارس و آموزش اکثریت مسلمان شهر یزد

افق تاریخی نظام آموزش در یزد در دوره قاجاریه را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ریشه های سیاسی اجتماعی قاجاریه بخصوص اواسط قاجاریه تا پایان آن را نادیده گرفت. رویداد هایی که زمینه‌ی تحوّل جامعه‌ی ایران را پدید آورد از اواخر حکومت فتحعلی شاه قاجار آغاز می‌شود و در پایان حکومت مظفرالدین شاه به اوج خود می‌رسد و پس از مشروطه نیز تداوم می‌یابد. از سوی دیگر به دلیل ارتباط رخدادهای تاریخی در گستره‌ی کشور، جدا انگاری این مؤلفه‌ها و صرفاً پرداختن به یک منطقه (اینجا یزد) ممکن نیست.

در دوران فتحعلی شاه، عباس میرزا به مدد مربی خود قائم مقام فراهانی در صدد اصلاحاتی برآمد. اصلاحاتی که در مرتبه‌ی نخست با شناسایی کاستی‌های دفاع نظامی در برابر تزارهای روسیه آغاز شد و رفته رفته ریشه‌ی ناتوانی قشون ایرانی را در افق‌های متعددی شناسایی کرد. او دریافته بود برای بهبود اوضاع می‌بایست اصلاحاتی شکل بگیرد. پس به همین دلیل بود که در کنار اختصاص بخش اعظم همت خود به ممانعت از رسیدن روس‌ها به هدف‌های استراتژیک خویش و تلاش برای نوسازی قشون، گام‌های دیگری نیز در جهت نوسازی اقتصادی و اجتماعی برداشت. این گام‌ها اگر چه به دلیل تعلق به دوره‌ی طفولیت اندیشه‌ی اصلاح طلبی از بالا، جزئی و ناپایدار بود، اما جلوه‌های متعددی داشت که یکی از آنها اعزام محصل به فرنگ بود. هر چند به نتیجه نرسید (زرگری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۹۹ تا ۱۰۵) فکر اعزام دانشجویان به فرنگ بی‌گمان در اقدامات اصلاح طلبی دولت مردان بعدی اهمیت بسزایی پیدا کرد. مخصوصاً این که سیاست‌های اصلاح طلبی عباس میرزا زمینه و الگوی اصلاحات عصر امیرکبیر قرار گرفتند. (زرگری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۹۹) و بدین سان روند گرایش به آموزش نوین در ایران رقم می‌خورد.

نخستین بار، امیرکبیر توانست نظام آموزشی جدید را با تأسیس دارالفنون رسمی نموده و آموزش را جزئی از وظایف دولت نماید. ایران در دوران ناصرالدین شاه با تأسیس دارالفنون شکل تازه‌ای پیدا کرد (کسروی، ۱۳۷۰، ص ۲۶ و ۲۷) برای دارالفنون معلمان خارجی دعوت به کار شدند.

عده‌ی شاگردان دارالفنون در سال تأسیس ۱۱۴ نفر بودند. (ورهرام، ۱۳۵۸، ص ۲۹۸) هفت سال پس از تأسیس دارالفنون بسیاری از شاگردان دارالفنون موفق شدند برای ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه‌های بزرگ به اروپا اعزام شوند (مستوفی، ۱۳۴۳، ج اول، ص: ۸۶ (طی گذشت نیم قرن از افتتاح دارالفنون قریب ۱۵۰۰ نفر از آن فارغ التحصیل شدند که خود منشأ خدماتی در جهت هدایت برخی از تحولات فرهنگی و تربیتی آن زمان که منجر به پیدایش مدارس ابتدایی و متوسطه با برنامه‌های آموزشی جدید و اقتباسی از مراکز آموزشی اروپا بودند (سرکارآنی، ۱۳۸۲، ص: ۶۵)

پس از دارالفنون به تدریج در دوره‌های مختلف حکومت قاجار مدارس دیگری مانند مدارس رشدیه تأسیس شد. این مدارس با اقدام سید حسن رشدیه زمینه‌ی آموزش نوین همگانی در ایران فراهم ساخت (سازمند، ۱۳۹۸، ص ۱۴) که معلمین این مدارس غالباً از فارغ التحصیلان دارالفنون بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲ ج ۱، ص: ۳۳۸). در مسیر رو به رشد مدارس جدید در دوره قاجاریه تأسیس وزارت علوم در دوره ناصرالدین شاه بسیار تاثیر گذار بود. او بعد از بازگشت از اروپا فرمان تأسیس این وزارتخانه به سرپرستی علیقلی اعتضاد السلطنه را داد. تأسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ ق/ ۱۲۳۵ش را باید نخستین اقدام دولت قاجاریه برای اداره نمودن رسمی نهاد آموزش در کشور نامید (شوهانی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۳)

در ابتدای سلسله قاجاریه در یزد، تعلیم و تربیت بر اساس همان شیوه‌های سنتی گذشته تداوم داشت و اولین گام در تعلیم و تربیت و آموزش در نهاد خانواده بود که کودکان را با تکالیف شرعی و اجرای دستورات مذهبی آشنا نموده و کسانی که از تمکن مالی بهتری برخوردار بودند نیز کودکان را به مکتب خانه‌ها می‌فرستادند. (پولاک، ۱۳۶۸: ص ۱۶۸) همچنین، فرزندان اعیان، اشراف و شاهزادگان به جای مکتب خانه، توسط معلم خصوصی (معلم سرخانه) آموزش می‌دیدند. البته این شیوه آموزش جنبه عمومی نداشت و برای اینکه فرزندانشان با کودکان دیگر تماس نداشته باشند و معاشرت با آنها موجب بدآموزیشان نشود از این شیوه استفاده می‌کردند. (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ص ۱۰) فرزندان علما و برخی بزرگان نیز پس از مکتب خانه برای ادامه تحصیلات به حوزه‌های علوم دینی (مدارس سنتی) وارد شده و در آنجا تحصیلات عالی را تکمیل می‌نمودند. بنابراین، از آغاز سلسله قاجار تا عصر ناصرالدین شاه، نظام آموزش بیشتر به همان سبک سنتی انجام می‌گرفت.

در دوره قاجار، چندین مدرسه تا قبل از اشاعه شیوه جدید نظام آموزشی در یزد تأسیس شدند که عبارتند از:

مدرسه واقع در جنب مسجد ملا اسماعیل: (۱۲۱۸ق/۱۱۸۲ش) مؤسس آن حاج میرزا علیرضا بن حاج محمد ابراهیم بن حاج عزیزالله چیت‌ساز از قاضیان بزرگ یزد بود (مدرسی، ۱۳۸۴: ص ۸۸) مدرسه ملا اسماعیل عقدایی (۱۲۲۲ق/۱۱۸۶ش) مؤسس آن آیت الله آخوند ملا (محمد) - اسماعیل عقدایی یزدی فرزند عبدالملک فرزند اصلان خان تبریزی از علمای مشهور یزد بود. ملا اسماعیل مسجد معروف یزد به نام مسجد ملا اسماعیل را بنا نموده است. مدرسه‌ی ملا اسماعیل در دو طبقه و هر طبقه دارای ده حجره است که در زمان حیات او و فرزندانش محل تحصیل و سکونت طلاب علوم دینی بوده است (افشار، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۰۹)

مدرسه عبدالرحیم خان یا مدرسه نو (۱۲۳۷ق/۱۲۰۱ش) مؤسس آن عبدالرحیم خان پسر محمدتقی خان از حکام یزد بود. این مدرسه در دوره‌ی فتحعلی شاه ساخته شده و تا دوره‌ی رضا خان فعال بود

مدرسه شاهزاده (اشرفیه) (۱۲۴۰ق/۱۲۰۴ش) مؤسس آن شاهزاده محمد ولی میرزا پسر فتحعلی شاه از حکام یزد بود. شاهزاده محمد ولی میرزا از سال ۱۲۳۶ق/۱۸۲۱م تا ۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م حاکم یزد بوده است و در این مدت ابنیه‌ی متعددی ساخته که این مدرسه یادگار آن دوران است.

باید اشاره کرد، که مدرسه شاهزاده آخرین مدرسه‌ی است که به سبک سنتی در یزد تأسیس شده و این مدارس تا پیش از تأسیس مدارس نوین، پر رونق بوده اند. این مدرسه در حال حاضر یکی از مهم ترین مدارس فعال علوم دینی یزد است (طاهری، ۱۳۱۷، ص ۵۲ و ۶۳) آیت الله میرزا سید محمدعلی مدرسی یزدی قلعه کهنه‌ی متخلص به وامق و حیران از عالمان دینی و شاعران یزد، حاجی رجبعلی مجتهد (حاجی رجبعلی) و سیداحمد بن سیدمحمدحسینی اردکانی یزدی از فقهای یزد در مدرسه شاهزاده تحصیل کرده اند. (مدرسی، ۱۳۸۲: ص ۸۲)

۵-۲- آموزش اقلیت زرتشتیان در یزد در اوایل دوره قاجاریه

در رابطه با آموزش سنتی اقلیت زرتشتیان یزد در زمانه‌ی قاجاریه اثر مکتوبی که به احوال و آثار و زندگانی آنها پردازد در یزد تدوین نشده است. دساتیر زرتشتی بر این قوم کم جمعیت فرمان می

راندند و طبیعتاً با دانش و تعلیم در خارج از خانواده‌ی روحانیون و اعیان مخالفت می‌ورزیدند. سابقه تحصیلات سنتی پیروان این کیش به زمانه‌ی ناصرالدین شاه قاجار و دوره‌ی ورود صاحب مانکجی لیمجی هاتریا بر می‌گردد. و پیش از این اثر چندانی از آموزش علوم در میان زرتشتیان دیده نمی‌شود. فقر دانش در زرتشتیان به گونه‌ای بود که آنها حتی آموزه‌های دینی خود را نیز به فراموشی سپرده بودند. کنت گوینو فرانسوی می‌نویسد: «زرتشتیان ایران از دین و آیین و نیاکان خود به کلی بی‌خبر بودند و مانکجی به موقع به ایران رسید و الا پس از چند صبحی نشان زرتشتیان از میهن پیغمبرشان محو می‌شد» (دوگوینو، ۱۳۸۳، ص ۲۶۵) مانکجی در ۳۱ مارس ۱۸۵۴ م/ ۱۲۳۳ ش. به نمایندگی انجمن اکابر پارسیان هند برای تحقیق از چگونگی احوالات زرتشتیان به ایران اعزام شد و به یزد آمد.

مانکجی در سال ۱۲۳۴ ش، تعدادی از کودکان زرتشتی را (از کرمان ۱۲ نفر و از یزد ۲۰ نفر جهت تحصیل علوم همراه خود به دبیرستانی به نام مازدیستان برد و معلمینی به زبان‌های پارسی و عربی و ترکی برای اطفال آورد و آنها را به آموزش و درس و بحث واداشت (شهمردان، ۱۳۶۳، ص ۶۲۵ و ۶۲۷) این دبیرستان که به صورت شبانه روزی بود و مرتباً مبلغی به عنوان کارمزد کودکان برای والدین آنها فرستاده می‌شد. این اولین خبر از تحصیل زرتشتیان در دوره‌ی قاجاریه است. اصول پذیرش دانش‌آموز در مدرسه‌ی مانکجی (دبیرستان مازدیستان) اطفال بی بضاعت زرتشتی از ۸ تا ۱۲ ساله پذیرفته می‌شدند و بعد از ورود هیچ مشکلی از لحاظ خوراک و پوشاک و مکان نداشتند (مجموعه‌ی مکتوبات و گزارشات مانکجی هاتریا ص ۴۷)

تا سال ۱۸۸۹ م برابر با ۱۲۶۸ ش، که ارباب کیخسرو مهربان در محله‌ی خلف خانعلی یزد مدرسه‌ی کیخسروی را برای زرتشتیان دایر کرد این اقلیت فاقد بنگاه آموزشی متمرکز و گسترده‌ای بودند. بنابراین کسب دانش سنتی در بین زرتشتیان خلاصه می‌شد به مدرسه‌ی شبانه روزی مانکجی در تهران، مدرسه‌ی مانکجی در یزد و سپس دبیرستان کیخسروی که حرکت شتابنده‌ای به سمت علم و دانش فرزندان این کیش بود (شهمردان، ۱۳۶۸، ص ۶۳۷)

اما این مورد را نباید چشم پوشی کرد که مدرسه کیخسروی ضمن هدف آموزش دینی زرتشتی‌ها، بعداً شباهت بسیار زیادی به مدارس نوین پیدا کرد و دروسی غیر از دروس مذهبی در آن پیش بینی شد. همینطور مدرسه‌ی دینیاری نیز در سال ۱۲۹۵ شمسی با هدف آموزش و تربیت روحانیون

زرتشتی بنا نهاده شد. اما هفت سال بعد یعنی در سال ۱۳۰۲ ش. رسماً با افزوده شدن کلاس‌ها و محتوای جدید به یک مدرسه‌ی نوین تبدیل شد. (معصوم‌خانی، ۳۳-۱۳۳۲ ص ۷۳)

۳-۵- آموزش اقلیت یهودیان در یزد در اوایل دوره قاجاریه

اگر چه در دورنمای تاریخی حضور پیروان این کیش در شهر یزد از مدارس سنتی یهودی نامی برده نشده، اما وجود مقامات دینی این قوم در شهر یزد مانند « هاراب اور شرکاء بن هاراو شموئل » (یکصدوسی و پنجمین فرزند حضرت داوود) نشانگر وجود افراد دانا به تعالیم یهودی است که می‌بایست دانش‌های سنتی دین خود را به پیروان و یا علاقمندان علوم دینی یهودی آموزش می‌داده‌اند. گام اصلی و مهم آموزش یهودیان یزد در مدرسه‌ی آلیانس یهودی برداشته شد. مؤسسه‌ی آلیانس فردی به نام موسیو کهنکو و همسرش را در اواخر دولت قاجاریه با ماموریت احداث دبستان یهودیان از پاریس به یزد فرستاد. فعالیت آلیانس در یزد علاوه بر آموزش به تسهیل رابطه‌ی میان یهودیان و مسلمانان یزد نیز همت می‌گماشت. این مدرسه بر آن بود به مردم مسلمان و مخالف یهود یزد بفهماند که یهودیان امعمولی و همشهری خودتان هستند و نجس نیستند تلاش دیگر دست‌اندرکاران مدرسه آلیانس در یزد، جهت بخشیدن حس برابری بین یهود و مسلمان و همگون‌سازی اجتماعی اقلیت یهودی با اکثریت جامعه مسلمان یزد بود. (سرشار، ۱۳۸۴ ص ۱۹۵)

مشروطیت، نوگرایی و گسترش آموزش نوین در یزد

به نظر میرسد که در این بخش پیش از پرداختن به آموزش در یزد، نگاه کوتاهی داشته باشیم به انقلاب مشروطه و تحولات و تغییرات متاثر از آن بر نظام آموزشی نوین در ایران. اولین گام‌ها در راستای تحصیل علوم جدید و اقدامات انجام شده توسط عباس میرزا و محمدشاه تا زمان امیرکبیر موفقیت آمیز نبود، چراکه مستشارانی که از اروپا به ایران می‌آمدند، با فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایران آشنایی نداشتند، زبان فارسی را اغلب نمی‌دانستند، برخی ناآگاهان داخلی کارشکنی می‌کردند، روسیه، انگلیس و فرانسه علاوه بر رقابتی که با یکدیگر داشتند، بنابر مصالح سیاسی خود تمایلی به پیشرفت ایران نداشتند و به همین روی، در این زمان یکی از تغییراتی که رخ داد، اعزام دانشجو به

خارج از کشور بود و تأسیس مدارس خارجی در ایران توسط مسیونرهای مذهبی (از دوران محمدشاه قاجار) از دیگر اقداماتی بود که موجب گرایش ایرانیان به علوم و فنون جدید و آموزش به سبک نوین شده بود. گفتمان دانش یکی از فصل بندی‌های مشترک میان برخی از درباریان و مشروطه خواهان (شامل برخی علما و عموم منور الفکران) بود. دستیابی به دانش و تحصیل و تسهیل این زمینه برای جامعه یکی از خواسته های پرطرفداری بود که مکرراً در آثاری مانند روزنامه های این دوره ذکر شده است. مطالبه‌ی دانش برای عموم اجتماع که بر حسب عادت عمدتاً به مردان اطلاق می‌شد، و هم کوشش زنان به صورت جداگانه برای پیدا کردن امکان تحصیل هر دو از نتایج انقلاب مشروطیت بودند. در شهر یزد مقارن با انقلاب مشروطه مطالباتی در سرلوحه‌ی جامعه‌ی شهری قرار گرفت که توانست به عنوان زیر بنای گسترش آموزش نوین مؤثر واقع شود. مواردی مانند:

۱-۶- مطالبه‌ی مساوات و برابری میان پیروان ادیان در یزد و رابطه‌ی آن با آموزش نوین:

یقیناً یزد به عنوان جامعه‌ی برخوردار از حضور اقلیت‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت در دوران پیش از مشروطیت جایگاه تقابل و تفاوت حقوق شهروندی بسیاری بوده است. حضور اقلیت‌های زرتشتی و یهودی در این شهر به تأثیر از باور برتری مسلمانان و ویژگی اکثریت بودن آنها همواره مرارت‌های متعددی را بر پیروان دو کیش همجوار یعنی یهودیت و زرتشتی‌ها تحمیل کرده بود. این مرارت‌ها از الزام در شیوه‌ی پوشاک تا استفاده از مرکب، حضور در معابر، تردد در روزهای بارانی و حتی مواردی مانند ارث و میراث بستگان افراد نومسلمان و ... گسترش داشت (شهمردان، ۱۳۶۳ ص ۶۳۰)

آغاز مطالبه‌گری برای این اقلیت‌ها با کوشش‌های صاحب‌مانکجی لیمجی هاتریا در دربار ناصرالدین شاه و تقاضای بخشش جزیه‌ی زرتشتی‌ها بود. پس از مشروطیت این تمایزها و تقابل‌ها رفته رفته رنگ می‌بازد و مدارس به عنوان نخستین جایگاه برابری اجتماعی بی‌آنکه فراز و فرود و یا ترتیب جایگاهی داشته باشند، دانش‌آموزان ادیان سه‌گانه را می‌پذیرند. معلم‌های زرتشتی آموزش دیده در هندوستان به تدریس دروس جدید می‌پردازند و امر آموزش عملاً از اختلاف طبقاتی و تمایز دینی رها می‌شود. دانش‌آموزان از هر کیش و مذهبی به عنوان یک شهروند سر کلاس حضور پیدا می‌کنند (شهمردان، ۱۳۶۳ ص ۵۹۰ تا ۵۹۶) (از طرفی خیرین زرتشتی و بعدها

انجمن های تبلیغی مسیحیت و یهودیت در مدارس خود می کوشند این تفاوت ها را کم رنگ کرده و جایگاه اقلیت ها را بهبود بخشند. در نتیجه با شرایط بسیار مناسبی دانش آموزان متقاضی را می پذیرند (سرشار ، ۱۳۸۴ ص ۱۹۵).

۶-۲- گسترش حضور اجتماعی زنان در جامعه یزد به عنوان زمینه ای برای آموزش نوین :
پیدا است که زنان به عنوان نیمی از جمعیت یک جامعه ، در ایران آن عهد، تازه زمزمه های کنشگری اجتماعی را آغاز کرده بودند. در یزد زمانه ی مشروطیت که یک جامعه ی شهری به مراتب سنتی و مذهب مدار بوده، اسناد مکتوب پیرامون مطالبه گری و یا آگاهی زنان درج و ثبت نشده است. اما این بدان معنا نیست که نتوانیم سابقه ی تأثیر مشروطیت را در دیدگاه بانوان این شهر رد یابی کنیم. پس از مشروطیت از حضور زنان یزدی در عرصه ی اجتماعی نشانه هایی شفاهی باقی مانده است که در گفتگوی با مردم می توان نمونه هایی از آنها را بازشناسی کرد (گفتگو با علیرضا احرامیان پور نهم خرداد ۱۳۹۸) و این موارد زمینه ای شد تا بعداً دختران یزدی بتوانند در مدارس ویژه ی خود به تحصیل مشغول شوند و بخش عمده ای از اجتماع که تا آن روز شاید تنها الفبای روخوانی را در مکتبخانه ها می آموختند. و یا به سبب تمکن خانواده می توانستند تحصیلاتی مقدماتی و خصوصی بیاموزند، وارد مدارس شده و به علم آموزی آن هم به شیوه ی نوین پرداختند .

۶-۳- مشروطیت و حمایتها از آموزش نوین در یزد :

الف) حمایت حکام یزدی از آموزش نوین:

در وقایع یزد می خوانیم که سردار نصیر بختیاری معروف به سردار جنگ (۱۳۲۷ ه.ق) که در دوره ی ضعف حکومت محمد علی شاه به فرمانداری یزد رسیده است. یکی از اقدامات این حاکم احداث مدرسه ی نصیریه بود (تشکری بافقی، ۱۳۷۷ ص ۲۰۹) ظاهراً سردار نصیر بختیاری از حکام علاقمند به دانش بوده است چرا که تجار نیز برای تشکر از او در یزد به ساختن مدرسه اقدام می کنند. یا مدرسه مشیریه که بعنوان نخستین مدرسه نوین یزد نامبرداری شده توسط میرزا فتح الله مشیر الممالک یزدی (مستوفی وقت یزد) ایجاد گردید.

ب) حمایت تجار یزدی از آموزش نوین:

در آغاز سلطنت محمد علی شاه سارقین از فترت دولت سوء استفاده کرده و مسیرهای تجاری یزد به مناطق پیرامون به شدت نا امن می‌شود. یکی از کارهای سردار جنگ زهر چشم گرفتن از سارقینی بود که در مسیر یزد به خراسان کاروان یزدی‌ها را یغما برده بودند. سردار جنگ سارقین و سرکرده‌ی آنها را دستگیر کرد و اموال تجار را بازگرداند (نواب وکیل، ۱۳۸۸، ص ۴۸۹) تجار یزدی نیز برای سپاسگزاری از این اقدام سردار جنگ مدرسه‌ای ساختند و نام آن را مدرسه‌ی «تشکر» گذاشتند. این مدرسه به پیشنهاد سید محمد رضا معروف به کمپانی و با همیاری تجار یزدی احداث شده است (سالنامه دبیرستان ایرانشهر، ۱۳۱۶-۱۷ ص ۱۲) این مدرسه سه سال بیشتر دوام نیاورد، اما به نوعی طلیعه‌ی حمایت تجار از مدارس نوین محسوب می‌شود. همچنین تجار زرتشتی چه آن دسته که در ایران (یزد و تهران) به فعالیت تجاری می‌پرداختند و چه آن دسته که از ایران کوچیده و به هند رفته بودند سهم بسیار مؤثری در ایجاد و احداث مدارس نوین داشتند که مشهورترین آنها را می‌توان مدرسه‌ی خسروی، مدرسه‌ی کیخسروی، مدرسه‌ی دینیاری و ... نام برد (سالنامه دبیرستان ایرانشهر ۱۳۱۶-۱۷ ص ۵۳)

ج) حمایت علمای یزدی از آموزش نوین:

در میان علما گرایش به مدرسه‌سازی نوین نیز وجود داشته است. اشخاصی نظیر «شیخ عبدالغفور طاهری» که مدرسه‌ی قدیمی اجدادی‌اش را بازسازی می‌کند و مدرسه‌ی طاهریه را جای آن به شکل نوین ایجاد و اداره می‌کند. یکی دیگر از علمای یزدی که نام او در زمره‌ی حامیان مدارس نوین ثبت شده است آقای سید حسین قبله است. مرحوم سید هاشم فقیهی که او از صنف علمای یزد و یکی از پیشگامان و بانیان مدارس نوین یزد بود. مدرسه‌ی هاشمی که سیری را از مکتبخانه به دبستان و سپس مدرسه‌ی شش کلاسه طی کرد و بعداً به نام مدرسه‌ی تدین نامیده شد به همت این شخص ایجاد و اداره شده است (معصوم‌خانی، ۳۳-۱۳۳۲ ص ۷۱)

د) حمایت خیرین پارسی هند از آموزش نوین:

ارتباطات تجاری و فرهنگی زرتشتیانی که با سایر کشورها به ویژه کشورهای اروپایی داشتند، منجر به اقتباس از این کشورها و ترویج علوم و فنون نوین در یزد شده بود. از جمله زرتشتیانی که در یزد بانی مدارس نوین شده بودند می‌توان به این افراد اشاره نمود: کیخسرو مهربان رستم کیخسروی، خداداد رستم بهرام رشید خرمشاهی، ارباب خسرو شاهجهان، رستم موبد، خسرو

صداقت، اردشیر کیخسرو ایرانی، رستم-خداداد خودی کلاه کوچه-بیوکی و کیخسرو خداداد اشتری (شهمردان، ۱۳۶۳:ص ۶۱۸)

زرتشتیان مهاجر ایران در هند اغلب به تجارت مشغول بودند و آزادی عمل آنها در هند منجر به ثروتمند شدن آنها شده بود، با توجه به اینکه کشور هند در آن روزگار تحت سلطه انگلیس بود، در این هنگام، زرتشتیان در هند با علوم و سبک های نوین آموزش آشنا شدند، و تصمیم گرفتند که به هموطنان و هم کیشان خود در ایران کمک نمایند. در این زمان فردی تحصیلکرده و روشنفکر به نام مانکجی لیمجی هاتریا در سال ۱۲۳۵ شمسی مصادف با حکومت ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمده و در تهران اقدام به تأسیس مدرسه ای نمود. تعداد ۲۰ نفر از دانش آموزان این مدرسه کودکان زرتشتی یزد بودند و در واقع می توان گفت که این کودکان که در مدرسه مانکجی آموزش دیدند، بعدها معلمانی برای آموزش نوین در یزد بودند، که در رشد آموزش به سبک نوین در شهر یزد بسیار موثر بودند (نسیمی، ۱۳۶۵:ص ۶) از جمله این افراد می توان به استاد جوانمرد نوزر، استاد کیومرث اردشیر وفادار و استاد ماستر خدابخش اشاره کرد (پیشدادی، ۱۳۷۷:ص ۸۳) پشتون جی مارکار یکی از خیرین پارسی بود که مدرسه ی مارکار یزد را احداث نمود (شهمردان، ۱۳۶۳ ص ۶۲۲)

از دیگر اقدامات زرتشتیان یزد می توان به «انجمن اکابر پارسیان هند» اشاره کرد، که این انجمن دوازده مدرسه پسرانه و دخترانه را در یزد احداث و تأسیس نمودند. «انجمن زرتشتیان بمبئی» نیز از دیگر مؤسساتی بود که به حمایت مالی و تامین نیروی انسانی (معلم) برای مدارس شهر یزد اهتمام می ورزید. این انجمن ۱۴ مدرسه به سبک آموزش جدید در یزد تأسیس کرده است (معصومخانی، ۱۳۲۸:ص ۱۳۲) به طور کلی می توان گفت از مجموع حدوداً ۳۰ مدرسه ای که در طول دوره قاجاریه در شهر یزد تأسیس شده است، بیش از نیمی از آنها توسط زرتشتیان بوده است. (طاهری، ۱۳۱۵:ص ۳۴) هرچند جمعیت زرتشتیان در این دوران کمتر از یک چهارم کل شهر بوده است.

(ه) روزنامه ها:

روزنامه‌ها در حقیقت سرآغاز هم اندیشی و انتشار افکار و عقاید به شیوه‌ی جدید بودند که ایران نوین را وارد عرصه‌ی تازه‌ای از ارتباطات کردند. از زمانی که میرزا صالح شیرازی کاغذ اخبار را تهیه و توزیع می‌کرد دیری نگذشت که بیشتر نقاط ایران این موهبت تازه را دریافتند و کوشیدند که از آن بهره بگیرند. در یزد حیات مطبوعات با انتشار روزنامه‌ی سفینه‌ی نجات در سال ۱۲۸۶ شمسی آغاز می‌شود. سفینه نجات در همان مدت محدود انتشار (حدود سه سال) مشی ضد استبدادی و روشنگرانه‌ای را دنبال می‌کند. در نشان این روزنامه واژه‌ی جهل (نادانی، بی‌دانشی، ناآگاهی) را غرق‌کننده‌ی کشتی نجات کشور دانسته است. با این عبارت: غرق‌کننده‌ی کشتی استقلال ایران جهل و نفاق است (تشکری بافقی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲) همچنین این روزنامه بعد از نشان‌های خود را تغییر داده «و این بار کشتی در وسط قرار گرفته که در دهان نهنگی به دام افتاده است و بر روی گردن نهنگ نوشته شده "غرق‌کننده‌ی کشتی استقلال ایران جهل و نفاق" و در سوی دیگر مردانی تصویر گردیده که سعی دارند این کشتی را به ساحل برسانند. در زیر این کشتی نیز شعر "حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت/ آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت"، از غزلیات حافظ آمده است.» (تشکری بافقی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲) که از همین نشان نیز توجه و اهتمام روزنامه به دانش و شکوه از جهل را می‌توان دریافت.

روزنامه‌ی معرفت یزد در تاریخ ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م/ ۱۲۸۷ ش به مدیریت شیخ ابوالقاسم افتخارالعلماء منتشر شد. این روزنامه مشخص‌ترین مقاله‌ها را در لزوم دانش و سواد منتشر کرده است که روشن‌ترین نوشته‌ی انتقادی ثبت و ضبط شده‌ی آن دوره در نكوهش بی‌سوادی و لزوم تحصیل و مدرسه است. در یزد نیز یکی از عوامل تشویق مردم به تحصیل روزنامه‌هایی بودند که مدام از فقر دانش و تحصیل سخن می‌گفتند و به قیاس جامعه‌ی خود با سایر ملل می‌پرداختند.

(و) منورالفکران

منورالفکران در تحول و تبیین گفتمان مشروطیت تأثیر بسزایی داشتند. در یزد آزادی خواهان متعددی بودند که در زمینه‌ی تبیین گفتمان مشروطیت کوشیده و در اندیشه‌ی مردمان این شهر و برخی مانند فرخی یزدی در مقیاس ملی مؤثر بودند. افرادی مانند حاج محمد تقی مازار که یکی از تجار حناساب یزدی بود که از طریق تجارت به ثروتی دست یافته بود و در جلب قلوب مردم به حمایت از مشروطه یکی از مهره‌های اصلی به شمار می‌رفت. افراد دیگری مانند ابوالقاسم افتخار

العلما، سید ابوالحسن حائری زاده و محمد فرخی یزدی از دیگر منورالفکران یزدی می‌باشند (تشکری بافقی، ۱۳۷۷ص ۲۲۴)

زگریز از نظام مکتب خانه ای: از عوامل موثر در گرایش به آموزش نوین در یزد (و در کل ایران) به دلیل نوع و سبک آموزشی بسیار مشکل و طاقت فرسای مکتب خانه ای بوده است؛ چرا که در این روش، یادگیری الفبا بسیار مشکل بوده و گاهی تا مدت ها طول می کشید. همچنین، آموزش حفظی به همراه تکرار و تمرین زیاد و بدون فهم و تفکر انجام می شد که خالی از اشکال نبود (ضمیری، ۱۳۷۴:ص ۱۱۳) همچنین، به لحاظ مکانی، مکتب خانه مکان مناسبی برای یادگیری نبود در حالی که مدارس نوین چه مدارس دولتی و چه مدارس ملی، اغلب بهترین خانه های اعیانی اجاره شده بود و اغلب ساختمان مدارس، بهترین و زیباترین ساختمان ها بود (رشدیه، ۱۳۷۰:ص ۴۸) همچنین از نظر روش تدریس و محتوای دروس (کاربردی، عملی تر و تخصصی تر شدن) مدارس نوین با نظام مکتب خانه ای تفاوت داشت.

ح) فرهنگ مردم یزد: در خصوص تاثیر فرهنگ یزد بر رشد و توسعه نظام آموزش نوین باید حداقل به دو نکته اشاره نمود: مردم خطه کویر مردمی «سخت» کوش و با پشتکار بودند که «این» خصلت همواره در یادگیری علم و دانش نیز خودنمایی کرده است. و دوم مذهبی بودن شهر و توجه مردم به مسائل مذهبی، موجب اهتمام آنها در امر تعلیم و تربیت شده است که آن را جزئی از تکالیف شرعی خود به حساب آوردند. همچنین عموماً بزرگان شهر اهتمام به ساخت مدارس و مراکز علمی و دینی می نمودند و نهاد «وقف» نیز در این زمینه تاثیر بسزایی داشته است. اکثریت مسلمان شهر یزد حداقل از سه زاویه به احداث مدارس نوین علاقه نشان داده و همت گماشتند. نخست اینکه عده ای از سر همان بینش برتری انگاری مسلمان به سایر اقلیت ها، نمی خواستند در این زمینه از زرتشتی ها عقب بمانند و لذا کوشیدند تا به مدرسه سازی روی آورند. دوم شماری از خیرین مسلمان بودند که متأثر از آموزه های اسلام امر مدرسه سازی را مفید دانسته و طبیعتاً همان مسیری را طی می کردند که گذشتگان در مدرسه سازی انجام داده بودند، اما این بار به شکل و شیوهی مدارس نوین. و سومین دسته افرادی بودند که از تأثیر مدرسین و معلمان اقلیت ها بر روی کودکان مسلمان بیمناک بودند و کوشیدند تا این خلاء را با ایجاد مدرسه ویژه کودکان مسلمان پر کنند.

ی) فعالیت‌های میسیونرهای مذهبی: تأسیس مدارس توسط میسیونرهای مذهبی مسیحی همچون «جمعیت مرسلین» که در بسیاری از شهرها از جمله در یزد ایجاد شده بود نیز در رشد آموزش جدید در یزد تاثیر داشت، از جمله دبستان مرسلین، ایزدپیمان، ابتهاجیه. علاوه بر آنها، گروه‌های مذهبی یهودی همچون آلیانس اسرائیلیت که مدرسه اتحاد در یزد تأسیس نمود، گرچه برخی از اهداف مذهبی و سیاسی خود را دنبال می‌نمود، اما در رونق آموزش نوین در یزد نیز بی‌تاثیر نبوده است. از جمله می‌توان به این موضوع اشاره کرد که زمانی که مدرسه دخترانه توسط میسیون مذهبی مسیحی انگلیسی به مدیریت خانم ایینه برایتی برای آموزش دختران زرتشتی و سپس برای مسلمانان تأسیس شد، در مقابل این اقدام، علماء و بزرگان شهر یزد، مقابله فرهنگی نموده و خودشان مدرسه دخترانه به سبک جدید برای مسلمانان ایجاد نمودند (بر خلاف برخی از شهرها که به تعطیلی و ویرانی این مدارس اقدام نمودند)

تأسیس مدارس نوین در یزد و موانع آن

۷-۱- مدارس نوین احداثی توسط مسلمانان در یزد

- مدرسه‌ی مشیریه: این مدرسه در سال ۱۲۷۹ شمسی، اوایل ربیع الاول ۱۳۱۸ هجری قمری مطابق با آغاز قرن نوزدهم میلادی در نزدیکی میدان شاه تأسیس شد. در آن برای نخستین بار تعلیم کودکان به شیوه‌ی نوین مد نظر قرار گرفت. مدرسه‌ی مزبور دارای شش کلاس بود که چون در آن زمان وحدت برنامه آموزشی در ایران موجود نبود و از طرف دولت در امور تعلیم و تربیت دخالت مستقیمی به عمل نمی‌آمد، طبقه‌بندی محصلین و انتخاب کلاس‌های درسی، بسته به نظر شخصی مدیر بود. محصلین این مدرسه بصورت مجانی و با لباس متحدالشکلی در مدرسه حاضر می‌شدند و هر محصلی در جلو کلاه خود نشانی از نقره داشت که روی آن جمله‌ی «مدرسه مبارکه مشیریه» نوشته شده بود. مشیر الممالک برای جلب موافقت طبقه‌ی علما و روحانیون در کنار مفاهیم نوین به تدریس دروس شرعی واجبات و محرمات نیز تأکید داشت. همچنین در کنار نماز جماعت ظهر و عصرگاهی مراسم روضه خوانی نیز دایر می‌شد. در اعیاد مذهبی جشن برپا می‌شد (معصوم‌خانی ۳۲- ۱۳۳۳ ص ۷)

قطعاً این مدرسه سرآغاز شکل‌گیری دانش‌نوین در یزد به حساب می‌آید. این ویژگی نه تنها از منظر تاریخی دارای اهمیت است، بلکه شیوه‌ی اداره‌ی مدرسه نیز خود گویای یک تحول مهم در شاکله‌ی فرهنگی و آموزش شهر یزد است. پوشیدن لباس متحدالشکل، وجه متمایزی را از نظر ظاهری در قیاس با مکتب‌خانه‌ها و حتی حوزه‌های علمیه یادآور می‌شود. برپایی نماز جماعت توسط دانش‌آموزان، دلیل محکمی بر غیبت اقلیت‌های مذهبی در این مدرسه نیست، اما هیچ گزارشی نیز دال بر حضور اقلیت زرتشتی در این مدرسه یافت نشده است. چنانچه بعدها با گسترش مدارس ساخته شده توسط خیرین و بازرگانان زرتشتی درمی‌یابیم که آغاز همنشینی دانش‌آموزان مسلمان و زرتشتی از مدرسه‌های آنان شروع شد. در گزارش‌ها چنین درج شده که مشیر الممالک ماهیانه دویست تومان برای مدرسه هزینه می‌کرد که علاوه بر مخارج جاری، صرف خرید لوازم برای محصلین بی‌بضاعت نیز می‌شد (دانش، ۱۳۵۶ ص ۴۱) (معصوم‌خانی، ۱۳۳۲-۳۳ ص ۸) مدرسه‌ی مشیریه بیش از پنج سال دایر بود و سپس به سبب مخالفت‌های عده‌ای کهنه‌پرست که سبب دلسردی مشیر الممالک شدند، از حمایت آن دست برداشت و در سال ۱۳۲۵ قمری تعطیل شد (معصوم‌خانی، ۱۳۳۲-۳۳ ص ۹)

- مدرسه‌ی نصیریه: پس از انحلال مدرسه مشیریه، ستاره معارف یزد چندی افول نمود تا اینکه نه سال بعد در سال ۱۳۲۷ ق/ ۱۹۰۹ م، نصیر بختیاری ملقب به سردار جنگ، حاکم یزد شد و چون مطلع شد که مشیر الممالک قبلاً مدرسه‌ی مشیریه را ساخته و بعداً منحل شده است، دستور داد مدرسه نصیریه را به وضع جدید دایر کنند. مخارج مدرسه را سردار جنگ از هزینه‌ی شخصی خودش می‌پرداخت. دانش‌آموزان این مدرسه نیز به صورت مجانی و با لباس متحدالشکل در کلاس حاضر می‌شدند. تعلیمات ابتدایی در مدرسه نصیریه در حدود ۶ سال بود. این مدرسه گرچه در جهت تداوم کار مدارس جدید در این خطه گام مؤثری به حساب می‌آمد، لیکن پس از گذشت چند سال از شروع به کار دستخوش تغییراتی شد که سرانجام به انحلال مدرسه انجامید (معصوم‌خانی، ۲۷-۱۳۲۸ ص ۷)

_مدرسه‌ی تشکر: همانگونه که قبلاً گفته شد، تجار یزدی برای تشکر از سردار نصیر بختیاری که موفق به ایجاد آرامش و امنیت در شهر یزد شده بود، مدرسه‌ای برای تشکر از او با پیشنهاد سید

محمدرضا معروف به کمپانی برپا گردید. تعلیمات این مدرسه در حدود شش ساله‌ی ابتدایی و مدیریت این مدرسه در اوایل تأسیس با شیخ باقر تهرانی بود ولی پس از یکی دو سال شیخ باقر به تهران مراجعت نموده و مدیریت مدرسه به سید محمد خردمند واگذار شد، تا اینکه در سال ۱۳۳۰ ق/۱۹۱۱م. به واسطه عدم بودجه کافی مدرسه مزبور منحل گردید (معصوم‌خانی، ۲۸-۱۳۲۷ ص ۷)

- مدرسه‌ی طاهریه (دبستان طاهری): نظر به افول مدرسه سازی در طول سالهای ۱۳۳۰ ه.ق تا ۱۳۳۲ ه.ق (۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ م) برخی از نیک نامان محلی در صدد برآمدند تا در این امر مهم پیشقدم گردند. یکی از این افراد مرحوم آقا شیخ عبدالغفور طاهری از علمای روشنفکر یزدی بود که در سال ۱۳۳۳ ق/ ۱۹۱۲م این مدرسه را ساخت. عمارت این دبستان از ابنیه‌ی خیریه‌ی ای است که عمارت قدیمی مدرسه‌ی ای با نام ابوالعالی متعلق به جد اعلای خاندان طاهری مرحوم حاجی محمد طاهر بود که تقریباً در یکصد سال قبل به شکل مدارس قدیمی ساخته بود. شیخ عبدالغفور طاهری که از دانشمندان معارف پرور یزد و زمانی نیز به ریاست فرهنگ این شهر مشغول بوده است.

مدرسه طاهریه دارای ۶ کلاس ابتدایی بود و ماهی ۳۰۰ ریال از طرف وزارت معارف کمک هزینه دریافت می‌کرد. این مدرسه سالها جزو مدارس فعال یزد بود. طبق احصائیه ۱۳۰۶ شمسی عواید سالانه این مدرسه ۲۸۸۰ قران و مخارج آن ۲۷۶۰ قران بوده است. در سال مذکور تعداد شاگردان مدرسه ۷۶ نفر بوده که از آن میان ده نفر مجانی تحصیل می‌کردند. این مدرسه با سه معلم اداره می‌شد (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ص ۴۰۸) در این مدرسه همه ساله در موقع امتحان، شیخ عبدالغفور از حکام و فرمانداران وقت و پدران محصلین و بزرگان شهر دعوت به عمل می‌آورد و بنا بر رسم با ایراد خطابه‌هایی ایشان را تشویق به حمایت از مدرسه می‌کرد (طاهری، ۱۳۱۷، صفحه ۱۸)

- مدرسه‌ی امید: در سال ۱۲۸۷ش/ ۱۹۰۹ م. تأسیس شد. این مدرسه‌ی دخترانه طبق آمار سال ۱۳۰۶ شمسی دارای ۶۲ دانش‌آموز بوده که همگی بصورت رایگان تحصیل می‌کردند و شش آموزگار داشته است (قاسمی پویا، ۱۳۷۷. ص ۵۳۷) (این مدرسه یا پس از مدت کوتاهی تعطیل شده و یا تغییر نام داده است. چون نشانه‌ای بیشتر از آن به دست نمی‌آید.

-دبستان تدین : (شرافت ، هاشمی) این دبستان در ابتدا مکتب خانه ای بوده که با تبدیل به دبستان به نام شرافت تغییر عنوان داده و بعد با نام دبستان هاشمی شناخته شده و رفته رفته با گسترش آن نام تدین را برایش انتخاب کرده‌اند. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۴۰۸)

مؤسس این دبستان فردی به نام آقا سید هاشم فقیهی فرزند حاجی سید حسین از سلسله‌ی معروف سادات قناد بود. این مدرسه از کمک هزینه دولتی به میزان ماهیانه ۲۰۰ ریال برخوردار بود. تحصیلات این دبستان در آن زمان به سه درجه تقسیم می‌شد. ابتدایی، شامل فارسی و عربی. تدریس درجه اول را مؤسس برعهده داشت و درجه دوم را آقای میرزا زین العابدین واقف تدریس می‌کرد و تدریس عربی به عهده مرحوم آقای شیخ محمد کوچه بیوکی بود. (سالنامه فرهنگ یزد ۲۸-۱۳۲۷) از قراین و گزارش های مرتبط با این مدرسه چنین بر می‌آید که نخستین نمایش دانش آموزی یزد از ابتکارات این مدرسه بوده است .

- مدرسه متوسطه مبارک قاجاریه: این مدرسه از اولین مدارس متوسطه در یزد بوده است. سال تأسیس مدرسه ۱۳۴۱ق / ۱۳۰۱ش / ۱۹۲۲م ذکر شده است. این مدرسه دارای سه پایه هفتم، هشتم و نهم بوده و لباس دانش‌آموزان و معلم‌ها لباس عصر قاجاریه یعنی عبا، قبا و کلاه یا عمامه بوده که در تمام ایران از جمله یزد متداول بوده است. (افشار، ج ۱، ۱۳۶۹، ص ۶۵۲)

۷-۲- مدارس نوین احداثی توسط زرتشتیان در یزد

- دبستان (دبیرستان) کیخسروی : این دبستان در سال ۱۳۰۷ ق / ۱۲۶۸ ش / ۱۸۸۹م توسط ارباب کیخسرو مهربان در محله‌ی خلف خانعلی یزد احداث شد. از آنجا که این دبستان در ابتدا به شکل مکتبخانه ای برای آموزش کودکان زرتشتی دایر شده در دید بسیاری از پژوهشگران تا سال ها بعد نتوانسته در رده‌ی دبستان‌های نوین قرارگیرد. اما به این دلیل که مفاهیمی فراتر از آموزه های دینی و دستوری زرتشتی مانند زبان‌های عربی و انگلیسی و حساب و هندسه و ریاضیات در آن تدریس می‌شده می‌توان آن را طلیعه‌ی مدارس نوین شهر یزد نیز به حساب آورد. (شاهمرادی، ۱۳۹۸، ص:۱۳۳) ارباب کیخسرو که از تجار یزدی ساکن بمبئی بود، تحت تأثیر تحولات آموزشی در هند لزوم یک مدرسه‌ی آبرومند را در شهر یزد احساس کرد. لذا دبستان کیخسروی را با خرج خود ساخت.

- مدرسه‌ی پسرانه خدادادی: این مدرسه در سال ۱۳۰۷ق/ ۱۲۶۸ش/ ۱۸۸۹م در روستای خرمشاه یزد احداث شد. بانی این مدرسه، فرزانه خداداد رستم کنتراکتر خرماهی از بزرگان زرتشتیان یزد بود. در ابتدای تأسیس مدرسه شمار دانش‌آموزان گاهی از ۳۰۰ نفر تجاوز می‌کرد. در توضیح علت آن باید گفت که این مدرسه جزء اولین مدارس زرتشتیان یزد بود و بسیاری از داوطلبان آموزش جدید از نقاط مختلف به این مدرسه کشیده شده بودند. پس از احداث دیگر مدارس جدید در روستاها و شهرهای زرتشتی نشین شمار داوطلبان کاهش یافت. این مدرسه دارای ۶ کلاس بود (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۵۳۴ و سالنامه دبیرستان ایران‌شهر ۱۳۲۷ احصائیه وزارت معارف ۱۳۰۶ شمسی)

- مدرسه‌ی گشتاسبی قاسم آباد: این مدرسه در سال ۱۲۷۳ش/ ۱۸۹۴م توسط خیرین زرتشتی در روستای قاسم آباد یزد تأسیس شده است. مدرسه پسرانه بوده و چون در آن زمان روستای قاسم آباد در فاصله‌ی قابل توجهی از شهر یزد قرار داشته بیشتر دانش‌آموزان آن را زرتشتی های همان روستا تشکیل می‌دادند. (شاهمرادی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳)

- دبستان خسروی: در سال ۱۲۷۵ شمسی مطابق با ۱۳۱۴ قمری توسط ارباب خسرو شاه جهان تأسیس گردید. این دبستان گویا از حیث قدمت دومین مؤسسه فرهنگی یزد است. مؤسس آن، خود زرتشتی بود ولی برای پذیرش شاگردان در دبستان بین زرتشتی و مسلمان تبعیضی قائل نمی‌گردید و از این رو از بدو تأسیس از هر صنف و مذهب در این آموزشگاه مشغول تحصیل بودند (سالنامه فرهنگ یزد. گلپهار یزد. شماره‌ی ۲ صفحه ۸۱)

- دبستان دینیاری: این دبستان در سال ۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۵ش/ ۱۹۰۶م به نام آموزشگاه کنکاش موبدان تأسیس شد که در ابتدا اختصاص به فرزندان موبدان داشت و برنامه آن هم تا سال ۱۲۹۴ شمسی فقط ویژه‌ی تدریس تعلیمات دینی زرتشتیان بوده است (شاهمرادی، ۱۳۹۸، ص: ۱۳۸)

- مدرسه‌ی جاماسبی: در سال ۱۲۸۵ش/ ۱۹۰۶م در روستای اهرستان یزد تأسیس شده است. این روستا در پی گسترش شهر اکنون به یزد منضم شده است. مدرسه جاماسبی چهار کلاس داشت. فرزانه مهربان پور دهقان آموزگار این مدرسه بیش از نیم قرن در این مدرسه تدریس کرد و به سال ۱۳۳۷ شمسی درگذشت. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷ ص ۵۳۷)

- مدرسه‌ی پسرانه رستم سنگ خیرآباد: این مدرسه در سال ۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۷ م در روستای خیرآباد یزد گشوده شد. این روستا اکنون به شهر یزد منضم شده است. محل آموزشگاه وقفی بود و هزینه آن را بخش خصوصی تأمین کرد و دارای چهار کلاس بود. (شاهمرادی، ۱۳۹۸، ص: ۱۴۱)

- مدرسه‌ی گودرزی اله آباد: این مدرسه در سال ۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۷ م احداث شده است. بانی آن ارباب گودرز مهربان از بزرگان زرتشتی یزد بود. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص: ۵۳)

- مدرسه‌ی زمردی رحمت آباد: در سال ۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۷ م در روستای رحمت آباد یزد برپا شد و فرزانه هرمز دیار شهریار بخشی از عواید موقوفات خود را برای احداث این مدرسه اختصاص داده بود (سالنامه فرهنگ یزد، ۲۸-۱۳۲۷، ص: ۱۳۹)

- مدرسه‌ی پسرانه‌ی ماهیاری مریم آباد: این مدرسه در سال ۱۲۶۵ ش/ ۱۸۸۶ م در روستای موریاباد یزد (این روستا در حومه قرار داشته و اکنون به شهر یزد منضم شده است) تأسیس شد. بانی مدرسه شهریار هرمزدیار بود. هزینه‌های مدرسه از عواید موقوفات بانی تأمین می‌شد. این مدرسه دارای چهار کلاس بود. (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۰۴۳/۲۹۷، ۱۳۲۰، ص: ۱۴، پ ۱)

۷-۳- موانع آموزش نوین در یزد

نخستین مانع برای توسعه‌ی آموزش نوین، آماده نبودن زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بود.

در حیطه‌ی اجتماعی بسیاری از علما به عنوان پیشوایان اندیشه‌ی اسلامی هنوز به مدارس نوین به دیده‌ی تردید می‌نگریستند. چرا که محتوای این مقوله‌ی فرهنگی را وارداتی می‌انگاشتند که مانند هر چیز دیگری که از بلاد کفر می‌آید قطعاً ناپسند و شک برانگیز است. این دسته‌ی افراد که تحصیل کرده‌ی علوم مذهبی بودند همان محتوای مذهبی را برای دنیا و آخرت کافی می‌دانستند. روشن است که هیچ یک از علما با ماهیت علم آموزشی مخالفت نکرده‌اند. بعلاوه سعی و تلاششان بر این بود که دیگران را به تأسی از دستورات دینی و سنت پیامبر به علم آموزی نیز ترغیب کنند. اما تعریف علم در دیدگاه این افراد فقط همان کتاب‌های مرتبط با علوم مذهبی بود. در نتیجه با علوم

جدید مخالفت می‌کردند. برای مثال پس از احداث رشدیه تبریز سید محمد یزدی در مسجد شاهزاده‌ی تبریز بر سر منبر گفت :

"دین شما از دست رفت. در شهر مسلمانان، میخانه‌ها باز شد، در شهر مسلمانان، معلم خانه‌ها (مدرسه‌های جدید) اطفال شما را از دین به در کردن، نان و گوشت شما سپرده به دست بیگانگان و کفار کردند ... در این شهر سه چیز نباید وجود داشته باشد: میخانه، معلم خانه و مسیو" (کسروی ۱۳۸۰، ص ۳۱)

در سایر سطوح اجتماعی مانند طبقه‌ی تجار و اعیان معمولاً مخالفتی جدی با مدرسه‌سازی به شیوه‌ی نوین ذکر نشده، و چنانکه انتظار می‌رفت تجار در این حیطه با مدرسه‌های نوین موافق بودند و در شهری مانند یزد حتی منشاء احداث مدارس نیز شدند.

اما طبقات فرودست جامعه مانند کسبه‌ی خرده‌پا و رعیت و ... چندان ضرورتی برای تحصیل و مدارس نوین نمی‌دیدند و عمدتاً منتظر بودند تا ببینند در افق کلان اجتماعی چه سرانجامی برای این پیشنهاد نوین صورت می‌پذیرد.

همینطور زنان نیز به عنوان نیمی از جامعه هنوز بروز اجتماعی روشنی پیدا نکرده بودند که منشاء تحوّل و تغییر اثر گذاری باشند. در نتیجه در شهری مانند یزد نمادی از بروز کنش اجتماعی مشخص زنان در خصوص مدارس نوین درج نشده است. در زمینه‌ی اجتماعی خود موضوع چند فرهنگی بودن این شهر ضمن اینکه از زاویه‌ی سبب گسترش مدارس شده، از طرف دیگر می‌توان آن را مانعی برای توسعه‌ی مدارس نیز لحاظ کرد. در چگونگی تبیین این پارادوکس باید عنوان کرد که به رغم تلاش زرتشتیان و مسیونرهای مسیحی و دایر کردن مدرسه و تلاش برای جذب دانش‌آموزان مسلمان که خود حرکتی در راستای توسعه‌ی مدارس بود، مخالفت مسلمین با همسانی و همنشینی فرزندانشان با پیروان ادیان دیگر در این مدارس عاملی باز دارنده بود که نتوانست همه‌ی علاقمندان به دانش نوین را پوشش دهد.

مورد دوم عدم زیر ساخت های فرهنگی بود که نتوانست به عنوان مانعی جدی بر سر مسیر مدرسه سازی در ایران برای مدتی شتاب مدرسه سازی را با کندی مواجه کند. جامعه‌ی آن روزگار جامعه‌ی ای بود که طی قرون متعدد به سازوکار خود بسنده ای بر مدار بی سواد و یا کم سواد عادت کرده و اداره می‌شد. ساز و کار های اجتماعی تا حد زیادی بی نیاز از ارائه‌ی دانش بود. به گونه

ای که کمتر کسی مطالبه گر میزان سواد و یا دانش کارگزاران اجتماع بود. از سلاطین گرفته تا حکمرانان منطقه ای و لشکریان و پیشه وران و ... هر کسی می توانست بدون دانش و سواد خواندن و نوشتن به اندازه‌ی نیازی که جامعه توقع داشت فعالیت اجتماعی نماید. در نتیجه نمی توان انتظار داشت در آن روزگار طبقات پایین دست اجتماع که معمولاً غالب جمعیت جامعه را شامل می شدند ، به دانش احساس نیاز کنند.

مورد سوم عدم زیرساخت های اقتصادی بود که آن را می بایست یکی از دلایل دیگری دانست که رشد و توسعه‌ی مدارس نوین را با مانع روبرو می کرد. غالب خانواده ها از تمکن مالی چندانی برخوردار نبودند. و تا پیش از همگانی شدن و رایگان شدن مدارس نه تنها می بایست از حضور فرزندشان به عنوان یک نیروی کاری در کارگاه پدری صرف نظر کنند ، بلکه لازم بود میزانی هزینه نیز برای تحصیل او در نظر بگیرند. در نتیجه ترجیح می دادند چنین کاری صورت نگیرد. این مورد بعداً نیز که تحصیلات رایگان شد همچنان به عنوان یک مانع به قوت خود باقی بود. بسیاری از خانواده ها به بهانه‌ی الزام همکاری فرزندان در امور پیشه وری از تخصیص بخشی از روز آنها به تحصیل ممانعت می کردند.

مسئله و مانع دیگر، عدم پیش بینی بودجه و یا پشتیبانی و تأمین هزینه‌ی مداوم این مدارس بود در آغاز ، ایجاد و بنای مدارس نوین بیشتر به تقلید شیوه‌ی مدارس علوم دینی اداره‌ی آنها توسط بانی صورت می گرفت و نظام مشخصی برای این مدارس نه از سوی دولت مرکزی و نه از سوی نهاد های محلی برنامه ریزی نشده بود. برای مثال اداره و تصمیم گیری در خصوص مدرسه‌ی مشیریه توسط بانی یعنی شخص مشیر الممالک صورت می گرفت . او خود معلم های مربوطه را استخدام می نمود و بر روند کارکرد آنها نیز نظارت داشت . همینطور مدرسه‌ی مانند دینیاری و کیخسروی و مدرسه‌ی خسروی که از سوی بانی های زرتشتی اداره می شدند. مدرسه‌ی مرسلین انگلیسی نیز به همین شیوه با نظارت و مدیریت میسیون انگلیسی اداره می شد . با شکل گرفتن وزارت اوقاف و معارف اداره‌ی این مدارس که رفته رفته بر تعداد آنها نیز افزوده شده بود به عهده‌ی وزارتخانه‌ی مذکور نهاده شد که توانست در توسعه‌ی مدارس مؤثر واقع شود. استفاده از درآمد

اوقاف برای اداره‌ی مدارس، تقریباً مشکل مالی مدارس تازه تأسیس کاسته شد و اداره‌ی منظم تری به خود گرفت.

اما از آنجا که معمولاً موقوفات برای هزینه کرد درآمد‌ها محل اسم بردار و مشخصی داشتند و یا اینکه بازماندگان واقف از این که اموال وقفی به وزارت معارف برسد ناراضی بودند با همکاری علمای وقت که آنها نیز از قوانین جدید رضایت نداشتند سعی می‌کردند از تخصیص موقوفات به اداره‌ی معارف و اوقاف و زیر مجموعه‌ی این وزارتخانه ممانعت کنند. از طرفی بعضاً در زد و بند های ارتباطی میان طبقه‌ی ذی نفوذ از اختصاص درآمد موقوفات برای اداره‌ی مذکور پیشگیری می‌شده. همچنین نگاه مذهبی مردم یزد به مسئله‌ی وقف برخی از خانواده‌ها را نسبت به بهره‌وری فرزندان‌شان از درآمد موقوفات (اینجا موضوع تحصیل در املاک موقوفه و یا برخورداری از نتایج این املاک تحت عنوان کمک هزینه‌ی تحصیلی و یا امکانات و ...) ناخشنود می‌کرده است. همچنین در شهر مذهبی یزد یکی از سویه‌های دیگر تجلی مخالفت و موافقت با آموزش نوین، حضور میسیونرهای مذهبی در این شهر بود. مبلغان مسیحی و مدرسه‌ی آنها در ایجاد نیاز و اشتیاق به تحصیل و همچنین برانگیختن حساسیت اجتماعی و مخالفت در بین جامعه‌ی شهری یزد اثر گذار بودند.

آموزش دختران در شهر یزد در دوره قاجاریه و چالش‌های آن

ایران در دوره قاجاریه وارد مرحله جدیدی از تحولات ساختار سیاسی اجتماعی و فرهنگی- آموزشی گردید که با دوران‌های قبل تفاوت چشمگیری داشت. از جمله حضور اجتماعی زنان در عرصه اجتماع و فرهنگ و آموزش است. جامعه ایران برای ایجاد مدارس جدید در مقابل آموزش سنتی که در شکل محتوایی و صوری با یکدیگر بسیار تفاوت داشتند مسیری بسیار دشوار را طی نمود ایجاد مدارس دختران مبتلا به مسایل پیچیده تری بود که بخشی به مسایل فرهنگی جامعه و برخی به معضلات همیشگی زنان که گاه ریشه تاریخی داشته مربوط میگردید. (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸:ص ۱) در ابتدای دوره قاجاریه، به دلایل و محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی، آموزش سواد به زنان در دوران قاجار چندان رایج نبود. تنها محل آموزش و تحصیل،

مکتب‌خانه‌ها بودند که دختران سهم ناچیزی از آن داشتند (مستوفی، ۱۳۴۳:ص ۷۱۱) بسیاری از دخترانی که در گذشته تحت تعلیم و آموزش قرار می‌گرفتند به طور معمول توسط محارم آنها صورت می‌گرفته است (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸:ص ۲) تفکیک قائل شدن از نظر جنسی میان زن و مرد شاید در دور نمای تاریخی متأثر از حکم مشخصی یا سند و مدرک مستدلی نباشد، اما این موضوع دست کم به دو دلیل به آستانه‌ی برخورد و بحث و نظر نیز نرسیده است. نخست این که تاریخ حاکم بر اجتماع ایران پس از اسلام تاریخی کاملاً مردسالارانه و در غیاب زن‌ها بوده است و تنها زنانی را در مکتوبات تاریخی می‌بینیم که به دلیل انتصاب به خاندان‌های حاکم منشاء تحوکی سیاسی و یا آبادانی بوده‌اند. این نگاه متأثر از بینش غالب اجتماع بوده است و گویا در تاریخ نیز برای این نیمه‌ی جامعه پستی در نظر گرفته شده تا همواره در پس و پشت رویداد‌های اجتماعی زن‌ها غایب باشند. دلیل دوم تسلط گفتمان مذهبی حاکم بر جامعه‌ی ایران بوده است که اصولاً برای زن رسالتی جز پرداختن به امور تربیتی فرزندان نمی‌دیده. بنابراین حتی خود زن‌ها نیز نیازی به ورود در عرصه‌های دیگر اجتماع احساس نکرده‌اند و به همان زندگی در حاشیه‌ی زندگانی جامعه‌ی مردسالار بسنده کرده‌اند. پس از تأسیس مدرسه‌ی دخترانه‌ی دولتی، در یزد دختران مسلمان در کودکی به مکتب‌خانه نزد ملای زن فرستاده می‌شدند و به آموختن قرائت و حفظ قرآن و نیز تا حدودی به آموختن خواندن و نوشتن می‌پرداختند. البته خواندن و نوشتن نه در همه‌ی مکتب‌خانه‌ها شایع بود و نه برای همه‌ی دختران امری ضروری به نظر می‌رسید. غالباً دختران تا سنین هفت و هشت سالگی به مکتب می‌رفتند و پس از آن به آموختن امور خانه‌داری نزد والدین خود ادامه می‌دادند. تنها برخی از خانواده‌های متمکن و ثروتمند و یا خانواده‌های علاقمند ضرورت آموزش خواندن و نوشتن را برای فرزندان خود الزامی می‌دانستند. به موازات این شیوه‌ی آموزشی در بین مسلمانان، شهروندان زرتشتی یزد نیز فرزندان دختر خود را نزد افراد باسواد کیش خود می‌فرستادند تا خواندن اوستا و اموری مانند گلدوزی و خیاطی و آشپزی را بیاموزند. با این تفاوت که زرتشتیان از مدت‌ها پیش مدارس پسرانه‌ای تأسیس کرده بودند و همین امر سبب شده بود تا به اندیشه‌ی تأسیس مدارس نیز برای دختران خود باشند. زرتشتیان یزد اولین گروه ایرانی بودند که مدرسه‌ای ویژه‌ی دخترانشان دایر کردند. این پیشگامی نتیجه‌ی روابط زرتشتیان با هم‌کیشان خود در هند و

اروپا بود. در این مدارس شیوه‌ی تدریس با روش‌های سنتی قدیمی کاملاً متفاوت بود و مباحث متعددی تدریس می‌شد. مدارس زرتشتیان یزد از دو جهت با مدارس اقلیت مسیحی که عموماً توسط غربی‌ها ساخته شده بودند تفاوت داشت. اول اینکه در مدارس غربی‌ها تلاش برای تدریس مبانی مورد نظر مسیحیت بود و توسط نهاد‌های بیگانه بنیان‌گذاری شده بودند، اما زرتشتیان، ایرانی‌هایی بودند که پیش‌تر از هم‌وطنان دیگرشان به فکر تأسیس مدرسه افتاده بودند. تفاوت دوم این بود که در مدارس میسیونری خارجی نمی‌توانستند دختران مسلمان را پذیرا باشند. اما مدارس دخترانه‌ی زرتشتی با هدف آموزش و تعلیم سواد بناگذاری شده بودند و ممانعتی برای ورود دختران مسلمان نداشتند. بنابراین دختران مسلمان و زرتشتی می‌توانستند در کنار هم به تحصیل بپردازند. اگر چه در این مورد نیز طبقات عامه‌ی اجتماع با همان توجیه تمایز مذهبی از حضور دختران خود در این مدارس پیشگیری نمودند. اما دختران طبقات اعیان این فرصت را مغتنم شمرده و در کنار زرتشتی‌ها در این مدارس تعلیم دیدند. یکی از ممانعت‌های جدی در زمینه‌ی حضور دختران در مدرسه محدودیت‌های اجتماعی جامعه‌ی سنتی یزد بود. طبیعی است که این محدودیت‌ها در مواجهه‌ی با مدارس زرتشتی و میسیونری که اولین مدارس دخترانه‌ی یزد بوده‌اند به شدت بسته‌تر و شدیدتر می‌شدند. دخترانی که نمی‌توانستند بر خلاف جامعه‌ی محدود شهری یزد به مدرسه بروند، حالا با پیشنهاد ورود به مدارس دخترانه‌ی کیش‌ها و مذاهب دیگر نیز مواجه بودند. در نتیجه پذیرش آن برای خانواده‌ها دشوارتر و گاه غیرممکن بود. چنین است که در گزارش‌های تاریخی می‌خوانیم موفقیت مراکز درمانی و بیمارستانی میسیونری در یزد به مراتب موفق‌تر از مراکز آموزشی آنها بود. چون بیماران برای مراجعه به این چنین مراکزی محدودیت و ممانعت نداشتند، اما آموزش را بر نمی‌تافتند.

با آغاز خیزش مشروطه خواهی، زنان به درج‌نامه‌نگاری در مطبوعات مشروطه پرداخته و طرح مطالبات اجتماعی خود را مطرح نمودند. در این میان، حق تحصیل زنان و اجازه‌ی ایجاد مدارس نسوان، اصلیت‌ترین مطالبه‌ی اجتماعی زنان در دوره‌ی مشروطه است. پس از انقلاب مشروطه، در خصوص تأسیس مدارس دخترانه جدید، در مجلس اختلاف نظر به وجود آمد. مشروطه خواهان و نمایندگان مجلس اول در خصوص تأسیس مدارس جدید دختران سه دسته بودند:

- یک دسته اعتقاد داشتند که با توجه به گستردگی علوم جدید، دختران باید صرفاً علوم را فراگیرند که مستقیماً به کارشان آید، یعنی علاوه بر یادگیری خواندن باید مطالبی چون تربیت کودک، خانه داری، حفظ ناموس و شرف، اخلاق معاش و معاشرت و از این گونه را نیز بیاموزند.
- دسته دوم که اغلب از حزب دموکرات، فرقه اجتماعيون عاميون بودند، اعتقاد داشتند که نه تنها نباید برای آموزش دختران محدودیتی قائل شد بلکه باید تمهیداتی اندیشید تا تعلیم آنها اجباری شود و مدارس جدید در همه جا تأسیس شده و مکتب خانه های قدیمی تعطیل شود.
- دسته سوم کسانی بودند که با تأسیس مدارس دخترانه به سبک جدید مخالف بودند و همان مکتب خانه را برای آنها کافی می دانستند (عبدالحسین، ۱۳۶۰، ص: ۲۵).

نخستین مدارس دخترانه شهر یزد

مدرسه‌ی میسیونری مرسلین: که بعداً به مجموعه کودکستان، دبستان و دبیرستان ایزد پیمان تغییر یافت در سال ۱۲۸۲ش/۱۹۰۳م تأسیس شد. این مدرسه نخستین مدرسه‌ی دخترانه‌ی یزد بوده است و بصورت کودکستان، دبستان و دبیرستان فعال بوده است. مدرسه‌ی ایزد پیمان از طرف میسیون مسیحی به وسیله خانمی انگلیسی به نام الینه خانم برایتی (misNellie brightly) تأسیس شد. این مدرسه تا شروع وقایع مشروطیت ۴۰ نفر دانش‌آموز را تحت پوشش داشت. (تشکری بافقی، ۱۳۹۴ ص ۵۱) مدرسه برای دختران احداث شده بود و ترتیبات آن تقریباً مانند مکتب‌خانه بود. البته دختران را دسته دسته کرده، به ترتیب بهتران را دسته اول و به همین روش تا دسته کودکان و خردسالان، شاگردان را طبقه بندی می نمود. هزینه‌ی این مدرسه ابتدا توسط میسیون‌های انگلیسی و شهریه‌ی وصولی از دانش‌آموزان تأمین می‌شد. امکانات آموزشی مدرسه‌ی ایزد پیمان شامل محوطه سازی، زمین وسیع ورزش و بازی، کتابخانه، آزمایشگاه مختصر با وسایل خیاطی و اتوکشی و طبخ‌عملی بوده است (شاهمردان، ۱۳۹۸، ص: ۱۳۵)

مدرسه دخترانه خرمشاه: در سال ۱۲۲۸ش/۱۸۴۹م تأسیس شد. در تاریخ زرتشتیان یزد نخستین مدرسه‌ی دخترانه‌ی زرتشتیان را مدرسه دخترانه‌ی قریه‌ی خرمشاه نامیده است. مدرسه‌ی دخترانه

خرمشاه به همت فرزانه استاد کیومرث پوروفادار پور اردشیر از دانشمندان و فعالان مدنی زرتشتیان یزد در آن روزگار تأسیس شده است. محل آموزشگاه نیز وقفی بوده است (ماهنامه فروهر، تیر و مرداد ۱۳۵۸، صص ۱۹۹-۱۹۸)

مدرسه دخترانه شاهجهان: چنانکه از گزارش بالا بر می آید این مدرسه بلافاصله پس از مدرسه‌ی دخترانه‌ی خرمشاه، و در شهر یزد دایر شده است. یعنی باید حدود سال ۱۸۴۹ م / ۱۲۲۸ ه ش احداث شده باشد. بانی آن تجارتخانه‌ی جهانیان بوده و تا سال‌ها بعد دایر بوده است (شهردان، ۱۳۶۳، ص: ۴۶۷) این مدرسه تا تشکیل دبیرستان دخترانه‌ی مارکار در سال ۱۳۳۷ ق / ۱۹۱۱ م دایر بوده است و سپس ضمیمه‌ی مؤسسات مارکار شده است. (شاهمرادی، ۱۳۹۸، ص: ۱۳۶)

مدرسه اناث: ۱۳۳۸ ق / ۱۹۱۹ م. این مدرسه اولین دبستان دخترانه‌ی ای است که پس از مشروطیت توسط دولت احداث شده است. مدیریت آن تا سال ۱۳۰۴ شمسی بر عهده‌ی نزهت الملوک خانم بوده و معلمان این دبستان بی بی زینب سلطان، بی بی ملکه، بی بی رضوان و تاج الملوک خانم. مدرسه‌ی اناث همان دبستان دخترانه طهارت است و به طور عمومی اناث یعنی دخترانه خوانده شده است. طبق احصائیه (۱۳۰۶ ش) تعداد شاگردان این مدرسه ۵۱ نفر بوده است (سالنامه‌ی دبیرستان ایرانشهر، ۱۷-۱۳۱۶، ۷۸)

دبستان دولتی دخترانه ایراندخت: در سال / ۱۳۳۷ ق / ۱۲۹۸ ش / ۱۹۱۹ م دایر شده که دارای ۶ کلاس ابتدایی و سه کلاس متوسط بود. مدیریت آن را بانو فرنگیس صدریه برعهده داشت. (معصوم‌خانی، ۱۳۲۷-۲۸ ص ۶۷)، (قاسمی پویا، ۱۳۷۷ ص ۵۳۴)

مدرسه تهذیب دوشیزگان: این مدرسه‌ی دخترانه در سال ۱۳۴۲ ق / ۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳ م دایر شده است. این مدرسه ملی بوده و طبق احصائیه سال ۱۳۰۶ شمسی دارای ۲۲ شاگرد بوده است. عواید سالانه آن ۹۰۰ و مخارج آن ۳۰۰۰ قرآن بوده است. مدرسه با دو معلم اداره می‌شد. (سالنامه‌ی دبیرستان ایرانشهر، ۲۸-۱۳۲۷، ص ۹۳)

مدرسه‌ی دخترانه‌ی آلیانس یهودیان (اتحاد): این مدرسه به احتمال قریب به یقین می‌بایست در سال ۱۲۸۴ ش / ۱۹۰۵ م تأسیس شده باشد. وقتی مدرسه‌ی اتحاد یهودیان تشکیل می‌شود به دلیل استقبال زیاد بعداً مکان مدرسه برای پذیرش تعداد دانش‌آموزان کفایت نمی‌کند و به همین دلیل مدرسه‌ی اول به پسران اختصاص داده می‌شود و یک مدرسه‌ی جدید به نام مدرسه‌ی اتحاد دختران

تأسیس می‌شود. بانوی مدرسه‌ی دختران همسر آقای کهنکو، بانو مادام کهنکو بود (سالنامه‌ی فرهنگ ۲۸-۱۳۲۷، ص: ۱۳۰) و (ناطق، ۱۳۷۵، ص: ۱۲۳)

پرورشگاه ایتم زرتشتیان یزد: در سال ۱۳۰۱ ش / ۱۹۲۲ م این مدرسه‌ی شبانه روزی توسط بنگاه معارفی پشتون جی مارکار یزد احداث شد. در سال اول تأسیس ۴۵ نفر از اطفال یتیم زرتشتی در آن مدرسه ثبت نام کردند که ۱۱ نفر آنان به صورت شبانه روزی در مدرسه به سر می بردند. این مدرسه اولین مدرسه شبانه روزی یزد بوده است. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص: ۵۳۸) کودکان در این مدرسه نگهداری و مخارج خوراک و پوشاک و خواب و لوازم تحریر آنها تأمین می‌گردید. (سازمان آموزش و پرورش یزد، ۱۳۸۱ ص ۳)

از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در مدارس دخترانه شهر یزد می‌توان به بانو آرمینوهی آیدین، استاد گوهر خانم فولادپور، بانو فرح انگیز مشتاق و خانم شیرین فیروزیان و ... اشاره کرد (گفت و گو با خانم بامشاد، اسفند ۱۳۹۸)

نتیجه گیری

به طور کلی می‌توان گفت که رواج، استقرار و توسعه علم، دانش و آموزش به سبک نوین، ارتباط مستقیمی با اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهر یزد داشته است، و در هر دوره ای که امنیت، آرامش و رونق اقتصادی برقرار بوده است، آموزش و مدرسه سازی نیز رونق خود را طی نموده است. رشد و توسعه آموزش به سبک نوین در شهر یزد از دوره قاجار آغاز شده و روند تکامل خود را تا به امروز طی نموده است. یزد یک جامعه‌ی شهری چند فرهنگی است. یزد در زمره‌ی معدود شهر های ایران است که توانسته از دیر باز تا اکنون دست کم پیروان سه مذهب رسمی ایران را در خود جای دهد. اکثریت مسلمانان شیعی و اقلیت زرتشتی و یهودیان. این در حالی است که اقلیت غیر رسمی بابی ها و بهایی ها نیز در یک محدوده‌ی زمانی یعنی آغاز گسترش بابی گری در ایران (نیمه‌ی اول حکومت ناصرالدین شاه ۱۲۶۰ ق / ۱۲۲۳ ش به بعد) تا پایان دوران پهلوی در این شهر فعال بوده اند. یکی از وجوه متفاوت میان این فرهنگ‌های مستقر در شهر یزد برخورد آنها

با مقوله‌ی مدرسه و دانش نوین بوده است. قطعاً همانگونه که انتظار می‌رود سه دسته‌ی مسلمان، یهودی و زرتشتی به یکسان با مقوله‌ی مدرسه و دانش نوین برخورد نکرده‌اند. آموزش مسلمانان شهر یزد از قرون پیش در مدارس علمیه و بعداً مکتب‌خانه‌ها رایج بوده است. اما زرتشتیان تقریباً به موازات حکومت ناصرالدین شاه قاجار و دوره‌های بعد مقوله‌ی تعلیم دینی و دبیره‌ی کیش خود را گسترش دادند. پیش از آن تعلیم دانش مذهبی نیز در انحصار خاندان روحانیون زرتشتی بود. یکی از دلایل این تأخیر محدودیت‌هایی بود که در طول زمان بعد از اسلام از سوی امرا و حکام و عامه‌ی مردم بر پیروان این کیش روا داشته شد. به گونه‌ای که ترجیح می‌دادند بیشتر پوشیده و پنهان فعالیت کنند. مهم‌ترین دلیل مهاجرت پارسیان ایرانی به هند نیز همین محدودیت‌ها بود. اقلیت یهودی نیز که سکونت آنها در شهر یزد از تاریخ ژرفی برخوردار است، این جماعت، قومی به تمام منفعل نبوده‌اند، اما حضورشان نیز در اجتماع مردم یزد همواره توأم با حزم و احتیاطی شدید بوده است. مثلاً یهودیان بر خلاف زرتشتیان در پدیده‌ای مانند انقلاب مشروطه در یزد هیچ‌گونه مداخله‌ای نداشته‌اند و سکونت پیروان این کیش در شهر یزد معمولاً با مصالحه صورت گرفته است. این در حالی است که اقلیت بابی‌ها و بهایی‌ها نیز به عنوان یک کیش نوظهور هرگز موفق نشدند مدرسه‌ای ویژه‌ی خود دایر کنند. تنها به حضور در مراکز آموزشی سایر ادیان مانند مدارس مسلمین، مدارس زرتشتی‌ها، مدرسه‌ی مرسلین و آلیانس بسنده کرده‌اند.

منابع و مآخذ:

- آسایش، سید علی (۱۳۷۹) عروس میانکوه - بنافت سادات یا روستای بنادک سادات در یزد، اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم
- آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷) آتشکده یزدان، تاریخ یزد، چاپخانه گل‌بهار، یزد.

بررسی سیستم آموزشی یزد در دوره قاجاریه

- اعلائی، سیدحسین (۱۳۷۵)، تاریخچه مدارس زرتشتی در یزد، یزد، مؤسسه خیریه مدرسه سازان امید.
- افشار، ایرج (۱۳۶۹) یزدنامه، نگارش و گردآوری ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین.
- افشار، ایرج (۱۳۷۴) یادگارهای یزد، دو جلد، تهران، انجمن آثار ملی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نشر خوارزمی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی.
- پیشدادی، جمشید (۱۳۷۷)، یادنامه میرزا سروش لهراسب، تهران، فروهر.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸) اسنادی از مدارس دختران ایران از مشروطه تا پهلوی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- تشکری بافقی، (۱۳۷۷) مشروطیت در یزد از ورود اندیشه‌ی نوین تا کودتای سید ضیاء الدین طباطبایی ۱۲۹۹-۱۲۸۵ ش، تهران، مرکز یزد شناسی.
- خاضع، اردشیر (۱۳۶۴)، تذکره سخنوران یزد، به کوشش رشید شهمردان، بمبئی: انتشارات خاضع.
- دانش، فاطمه (۱۳۹۰) مکتب‌خانه‌های یزد، جایگاه تعلیم دختران در سده‌های متاخر، فصلنامه‌ی فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۶، پاییز ۹۰.
- دو گوینو، کنت (۱۳۸۳) سه سال در آسیا، سفر نامه‌ی کنت دو گوینو، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر قطره.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲) حیات یحیی، تهران، انتشارات عطار و فردوسی، ج اول و دوم.
- رشدیه، فخرالدین (۱۳۷۰)، تاریخ مدارس نوین در ایران، تهران، انتشارات هیرمند.

- رفیعی مجومرد، حمید(۱۳۸۸)، زیرساخت های اقتصادی در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روشنی زعفرانلو، قدرت الله(۱۳۵۴)، امیرکبیر و ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶)، عباس میرزا نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران .
- سازمند، داریوش (۱۳۹۸) میرزا حسن رشديه بنیان گذار مدارس نوین، تهران، نشر دانژه .
- سرشار، هومن (۱۳۸۴) فرزندان استر، مقالاتی در باره‌ی تاریخ و زندگی یهودیان در ایران، ترجمه مهرناز نصیریه، تهران، نشر کارنگ
- سرکارآرانی، محمدرضا. (۱۳۸۲) اصلاحات آموزشی و مدرنسازی. تهران، نشر روزنگار.
- شاهمرادی، آمنه (۱۳۹۸) آموزش و پرورش اقلیت‌های دینی از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی اول، تهران: مورخان.
- شمیم، علی اصغر(۱۳۷۲)، ایران در دوره قاجار، تهران، انتشارات علمی.
- شهردان، رشید (۱۳۶۳) تاریخ زرتشتیان، فرزنانگان زرتشتی، تهران، سازمان انتشارات فروهر .
- شوهانی، سیاوش (۱۳۸۹) شورای عالی معارف موافقان و مخالفان، پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، شماره هفت.
- صفا، ذبیح الله(۱۳۶۳)، آموزشگاه های ایران، تهران، انتشارات نوین.
- ضمیری، محمدعلی(۱۳۸۰)، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز، نشر سامان.
- طاهری، احمد(۱۳۱۷)، تاریخ یزد، یزد، چاپخانه گلبهار.
- عبدالحسین، ناهید(۱۳۶۰)، زنان ایران در جنبش مشروطه، تبریز، نشر احیاء.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۳) گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: شرکتهای جیمی.
- قاسمی پویا، اقبال(۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان. تهران، مرکز نشر دانشگاهی .
- قنبری، محمد رضا (۱۳۸۶) نگاهی به مکتبخانه در ایران، فرهنگ مردم ایران، تابستان .

- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، سه جلدی، تهران، امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۸۵)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مالکم، ناپیر (۱۳۹۳) سفرنامه یزد، ترجمه علیمحمد طرفداری، یزد، مهرپادین .
- مانکجی، هاتریا (بی تا) مجموعه مکتوبات و گزارشات مانکجی هاتریا، قانون نامچه‌ی جدید به جهت مدرسه‌ی دهشنی دبیرستان مازدیسنان از بخش انجمن، کتابخانه اردشیر یگانگی، شماره ۴۵۰.
- مدرسی، سیدجواد (۱۳۸۴) النجوم السرد فی الصرح المسرد، یزد، انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- مدرسی (۱۳۸۲)، سیدمحمدکاظم، مفاخر یزد، دو جلدی، یزد، مؤسسه ریحانه الرسول.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجاریه، جلد اول، تهران، نشر زوار.
- مسرت، حسین (۱۳۷۶)، یزد یادگار تاریخ، یزد، فرهنگ و ارشاد یزد.
- معصوم خانی، کاظم (۱۳۲۸)، سالنامه فرهنگ یزد، یزد، چاپخانه گلبهار.
- ناطق، همال (۱۳۷۵) کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، تهران، خاوران.
- نواب وکیل، میرزا محمد (۱۳۸۸) خاطرات وکیل التولیه، میرزا محمد نواب رضوی، به کوشش علی اکبر تشکری بافقی، تهران، انتشارات سخن
- نایب‌ان جلیل و جواد علیپور سیلاب (۱۳۹۱) مدارس زرتشتیان دوره قاجار، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان .
- نسیمی، پریبرز (۱۳۶۵)، مدرسه کیخسروی. فروهر، شماره ۹ و ۱۰، ص ۲-۶.
- نصر، سیدحسن (۱۳۵۹)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات خوارزمی ..
- نصیری، مهدی (۱۳۵۹) بررسی تأثیر تحولات نظام جدید آموزش و پرورش بر روند توسعه، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

- وره‌رام غلامرضا (۱۳۸۵) نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین.
- یغمایی، اقبال (۱۳۷۶)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران، انتشارات سروا. اسناد
- اسناد سازمان ملی اسناد
- سالنامه‌ها و نشریات
- سالنامه دبیرستان ایرانشهر، (۱۳۱۶-۱۷) چاپ گلبهار. یزد.
- سالنامه‌ی دبیرستان ایرانشهر (۱۳۲۷-۲۸) چاپ گلبهار، یزد
- معرفت یزد (۱۳۲۷ و ۱۳۲۶) سال اول، شماره‌های مختلف
- ماهنامه فروهر، سال چهاردهم، شماره ۱، فروردین ۱۳۵۸ و شماره ۴ و ۵، تیر و مرداد ۱۳۵۸
- مصاحبه‌ها
- (گفتگو با علیرضا آیت‌اللهی، از مطیعین یزدی اسفند ۱۳۹۶)
- (گفتگو با علیرضا احرامیان پور، پژوهشگر شعر و ادبیات یزد، بهمن ۱۳۹۸)
- (گفتگو با سرکار خانم بامشاد فرزند بانو فرح انگیز مشتاق. اسفند ۱۳۹۸)